جادو از نظر اسلام و تاثیر آن در جامعه

ویژه اهل سنت



مولف : دکتر صالح فوزان
عضو مجمع کبار علماء و هیئت افتاء
مترجم : نور محمد نور محمدی


بسم الله الرحمن الرحيم

و لایفلح الساحر حیث أتی

جادو از نظر اسلام

و

تأثیر آن در اجتماع

مؤلف:

دکتر صالح فوزان

عضو مجمع کبار علماء و هیئت افتاء

مترجم:

نور محمد نور محمدی

مدرس جامعة الاحناف تایباد

فوزان، صالح
جادو از نظر اسلام و تاثیر آن در اجتماع/ مولف صالح فوزان، مترجم نور محمد محمدی– تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۴.
۷۰ ص.
ISBN: 964-7701-64-7
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. جادوگری – جنبه های مذهبی – اسلام. ۲. جادوگری – جنبه های اجتماعی. ۳. جادوگری. الف. نورمحمدی، نورمحمد، مترجم. ب. عنوان.
۲ ج ۹ ف / ۷۵ / ۲۲۶ BP
۲۶۷ / ۴۶۸
ج ۸۸۳ ف



جادو از نظر اسلام و تاثیر آن در اجتماع

نام مولف: دکتر صالح فوزان
مترجم: نور محمد نور محمدی
تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: سوم ۱۳۸۸
ناشر: شیخ الاسلام احمد جام ۲۲۲۵۲۳۸ – ۰۵۲۸
چاپخانه: دقت (۶خط) ۳۱۲۵۰۵۲
شابک: ۷-۶۴-۷۷۰۱-۹۶۴
قیمت: ۷۰۰ تومان



فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

خداوند از بین تمام مخلوقاتش انسان را برای کرامت برگزید و استعدادهای مختلفی را در فطرتش نهاد که مهمترین شان عقل و بصیرت است و بدین سبب انسان را مکلف نمود تا با عقل و بصیرتش عظمت و جلال و مشاعر ذات یکتایش را درک نماید اما مسلم است که انسان به عقل تنها نمی تواند تمام قوانین وکلیات را دریابد لذا دین و کتابهای آسمانی را نازل فرمود تا برای بدست آوردن حقایق عقل را یاری کند خداوند می فرماید :

« نور علي نور يهدي الله لنوره من يشاء » (نور/ ۳۵) .

و می فرماید : « و من لم يجعل الله له نورا فما له من نور » (نور/۴۰)

لیکن انسان تا جایی می توانند از عقل استفاده نماید که مخالف با نقل (قرآن و احادیث صحیحه) نباشد اگر در بعضی مسائل بظاهر عقل با نقل مخالف بود نقل در مقابل عقل پذیرفته می شود زیرا عقل از درک همه مطالب عاجز است . البته بعضی به عقل شان زیاد اعتماد نموده تا جایی که آیات و روایات صحیحه را در مقابل عقل رها می کنند . جادو نیز یکی از آن مواردی است که به ظاهر بعضی عقول آن را انکار می کند در حالی که خداوند آن را به عنوان آزمایش و یا عقوبت بعضی بندگان بوجود آورده و از زمانهای قدیم ثابت شده است .

و قبل از اسلام و نیز بعد از اسلام همچنان در بین ملل مختلف جهان باقی است .

مشکل اینجاست که بعضی افراد شیاد خـود را بـه لبـاس روحـانیت در آورده وبـا ادعای طریقت با مکرهای متفـاوت و حیلـه هـای مختلـف مسـلمانان مخلـص را مـی فریبند اموالشان را غارت ، عقاید شان را فاسد و دین دازیشان را تباه می کنند .

بنابر این بر هر مسلمانی لازم است که با انواع و اقسام مختلف جادو آشنایی کامل داشته باشد تا طعمه شیادان مکار نگردد .

لذا لازم دانسـتم پیرامون ایـن موضـوع رسـاله ای مختصـر و مفیـد بنـام (السـحر والشعوذة) اثر دانشمند بزرگ استاد صالح بن فوزان (عضـو هیئة کبارالعلمـاء و عضواللجنـه الدائمة للافتاء) را جهت استفاده برادران مسلمان به زبان فارسی تر جمه نمایم .

خداوند همه مسلمانان را از شر جادوگران تباه کار حفظ فرماید .

مترجم

۱۳۸۲/۱۲/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام علي نبينا محمد و علي آله و صحبه و بعد :

جادو و گفتگو پیرامون آن موضوع بسیار مهم است زیرا بسیاری از مردم به علت عدم شناخت نسبت به حقیقت آن ، گاهی آنرا مفید و سودمند می دانند وشیطانهای جنی و انسی نیز برای ترویج آن بسیار حریصند حتی گاهی آنرا به اسم دیگری می نامند . به این خاطر بررسی و اهتمام برای شناخت این مرض مزمن و لا علاج و بیماری خطرناك لازم است همانطور که پزشکان برای شناخت بیماریهای جسمی و پیشگیری از آن برای یافتن راه علاج می کوشند علماء نیز موظفند به این گونه بیماریها (سحر) توجه داشته باشند زیرا چنین یبماری از بیماریهای جسمی خطرناك تر است . چرا که بیماریهای جسمی در جسم تاثیر گذاشته و به زندگی دنیا محدودند اماسحر از بیماریهایی است که بر عقیده و قلب تاثیر بسیار شدیدی میگذارد و نه تنها دنیای انسان را بلکه آخرت وی را نیز فنا می کند .

سحر درلغت عبارتست : از چیزی پوشیده که سببش نا معلوم باشد و بعلت پوشیده بودنش آنرا سحر نا میدند زیرا سحر موردی است که بسیار ی از مردم آنرا نمی شناسند و ندیده اند . بلکه از اعمال شیطانی و پوشیده است و تنها افرادی می توانندآنرا بشناسندکه بارها آنرا آزمایش کرده اند .

سحر در اصطلاح علماء شریعت عبارتست : از طلسم و تعویذات و دود و دم هایی که افراد شیاد و دجال با شیطان انجام می دهند . جادوی هیچ جادوگری تاثیر نمی کند مگر اینکه از شیاطین استفاده نموده و به خداوند عزوجل شرك و كفر کند و هنگامی که به خدا شرك و کفر ورزید شیاطین جهت آسیب رساندن به انسانها با او همکاری می کنند بنابراین هر جادو گری مشرك و یا کافر است و جادو و شرك و کفر به یکدیگر نزدیک و مرتبط هستند و در مقابل همان شرك و کفری که کرده است با او همکاری می کنند تا بتوانند به انسانها آسیب برسانند .

جادو به عنوان یک بیماری از قدیم در بین امت وجود داشت و خداوند داستان جادوگران قوم فرعون را در قرآن بیان فرموده است و چون جادو در زمان فرعون شهرت زیاد یافته بود و بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت زمانی که حضرت موسی علیه الصلاه والسلام رسالتش را إعلان نمود او را جادو گر نامیدند . و این نامگذاری یا بخاطر فریب دادن مردم بود و شاید عقیده شان همین بود و فکر می کردند هر کس مانند خودشان کارهای خارق العاده نشان دهد جادوگر است به این خاطر فرعون و پیروانش معجزات حضرت موسی را جادو می پنداشتند . جادو گران را جمع کرد تا با حضرت موسی مقابله کنند .

قرآن مجید می فرماید : « قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لساحر عليم يريد أن يخرجكم من أرضكم فماذا تأمرون » (اعراف/١١٠-١٠٩) .

عده ای از قوم فرعون گفتند : واقعا این (موسی) جادوگر ماهری است ! او میخواهد شما را از سرزمین تان (مصر) بیرون کند ، چه می اندیشید و چه نظر میدهید

(باید با او چه کرد ؟) فرعون با قومش مشـوره کـرد و قـوم در پاسـخ بـه او گفتنـد : «أرجه و أخاه و أرسل في المدائن حاشرين یأتوك بكل ساحر عليم » (شعراء/۳۶) .

موسی و برادرش (هارون) را مهلت بده و به تمام شهرها مأمورانی را بسیج کـن . تاهمه جادوگران ماهر و زبردست را پیش تو بیاورند .

فرعون به مشوره قومـش عمـل کـرده و جـادوگران راجمـع نمـود . هنگامـی کـه جادوگران با حضرت موسی روبرو شدند به آن حضرت گفتند : کدامیک از مـا اول کار را آغاز کنیم حضرت موسی فرمود : شما شروع کنید آنها طنابها و عصاهایی را که آورده بودند انداختند (و همه به شکل مار درآمد) که همـه مـردم رابـه وحشـت انداخت . قرآن می فرماید :

« و جاء وا بسحر عظيم » (اعراف/۱۱۶) . جادوئی بزرگ از خود نشان دادند .

خداوندبه موسی دستور داد تا عصایش رابیـاندازد . حضـرت موسـی عصـایش را انداخت تا تمام جادوهای جادوگران را بلعید . در این هنگام جادو گران که نسبت به سحر شناخت کامل داشتند دانستند که ایـن معجـزه حضـرت موسـی سـحر نیسـت و همگی به نفع حضرت موسی (به رسالتش) شهادت دادندکه این از جانب خداست و همه ایمان آورده و برای پروردگارشان به سجده افتاده و تو به نمودند .

در این هنگام بود که فرعون از کوره در رفت و عصبانی شد و به تهدید پرداخت زیـرا دلائلـش نقـش بـر آب و کـارش پایـان یـافت . خداونـد داسـتان شکسـت و وا خوردگی و هلاکت فرعون و پـیروزی حضـرت موسـی و بـرادرش و مومنیـن را در

قرآن چنین بیان می فرماید : « قال موسي ما جئتم به السحر إن الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين . و يحق الله الحق بكلماته و لو كره المجرمون » (یونس آیه/٨٢-٨١) .

هنگامی که ریسمانها و عصاهای خود را انداختند) موسی گفت : آنچه ارائه دادید واقعاً جادو است قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و (جای شگفت نیست ، زیرا)خداوند کار تباهکاران را (بقاء و دوام نمی بخشد و) شایسته و مفید نمی گرداند . خداوند با سخنان خود (که بر انبیاء نازل می کند) حق را پایدار و ماندگار می گرداند ، هر چند که گنهکاران و بزهکاران نپسندند .

طبق قانون نظم عالم در هر زمان و مکانی باطل در مقابل حق شکست می خورد پیروزی جادو گران در مقابل معجزات حضرت موسی علیه الصلاه والسلام امکان پذیر نبود . زیرا معجزات پیامبران از جانب خداست و جادوی جادوگران جز تردستی و فریب چیزی دیگر نیست .

قرآن می فرماید: « انما صنعوا کید ساحر ولايفلح الساحر حيث اتي » (طه/٦٩) .

کارهایی که جادوگران کرده اند نیرنگ و جادو است و جادو گر هر کجا برود پیروز نخواهد شد .

و می فرماید : « أتقولون للحق لماجاءكم أسحر هذا ولايفلح الساحرون » (یونس /٧٧)

آیا به حق (معجزاتی) که به سوی شما آمده است سحر می گوئید ؟ ! آیا این معجزات جادو است ؟ ! به هر حال جادوگران پیروز نخواهند شد .

جادو گر شکست پذیر و جادو باطل است لیکن پیامبران با معجزات بر حق شان از جانب خداوند مؤید و منصوراند به این علت در هر زمانی بر علماء و مبلغین

واجب است که با متانت و جدیت در مقابل جادوگران بایستند از عملشان جلوگیری کنند و حد شرعی را بر آنها جاری نمایند تا مسلمانان و جوامع اسلامی از شرشان راحت گردند . و سکوت و تسامح نسبت به جادوگران هرگز درست نیست .

ابن قدامه در کتاب کافی ، جادو را چنین تعبیر کرده است : جادو عبارتست از طلسم و تعویذات شیطانی (غیر قرآنی) که با کلمات غریب و الفاظی رمزی و بی معنا بین جادوگران و شیاطین متداول است . جادو گران آن الفاظ را می خوانند و دم می کنند و یا می نویسند و با همکاری شیاطین مقاصدشان را در انسانهای غافل و جاهل و ضعیف الایمان بر آورده می کنند . در حقیقت این طلسم ها وتعویذات باطل و دود و دم ها بذات خود هیچ تاثیری ندارند بلکه شرکیات و کفریات و تعلقاتشان باشیاطین باعث می شود که خداوند به صورت امتحان و آزمایش بعضی از اختیارات را به آنها بدهد تا بتوانند به اذن خدا (قضا و قدر) به بعضی از بندگانش ضررهایی را برسانند همانطور که قرآن می فرماید : «و ماهم بضارین به من احد الا باذن الله » (بقره/۱۰۲) .

جادو گران نمی توانند با جادوی خود به هیچکس زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد .

خداوند جادو را مشروع نکرده است وکسی را به آن دستور نمی دهد بلکه این تقدیر محض است که خداوند بنا بر حکمتهایی از قبیل امتحان و آزمایش برای بعضی بندگان مقدر کرده است تا بدین صورت بر بعضی دیگر تسلط یابند . و این چنین تقدیری یک نوع عقوبت است.

علماء سحر را به دو نوع تقسیم کردنده اند : **سحر حقیقی و سحر تخییلی** .

سحر حقیقی : در ذات انسان تأثیر گذار است کسی را مریض می کند و یااسباب قتلش را فراهم می سازد و یا بین دو دوست تفرقه و یا بین دو دشمن دوستی بوجود می آورد که آنرا صرف و عطف می گویند گر چه تاثیر گذاری این سحر به اذن و اراده خداست لیکن نتیجه افعال جادو گران است .

سحر تخییلی : که آنرا قمره می نامندنتیجه چشم بندی وتر دستی ساحر است جادو گران باهمکاری شیاطین کارهای عجیبی را به چشم مردم نمودار می کنند مثلا کارد را به بدنشان فرو می برند و یا آتش را می بلعند و یا در وسط آتش قدم می زنند و درآنها اثرنمی کند . این کارها فقط ظاهر حال است و اصلا واقعیت ندارد . قرآن پیرامون این موضوع چنین می فرماید : «**و سحروا اعین الناس واسترهبوهم و جاءوا بسحر عظیم**» . (اعراف/ ۱۱۶)

مردم راچشم بندی کردندو ایشان را به هراس انداختند و جادوی بزرگی از خود نشان دادند .

جادوهای قوم فرعون نیز از همین نوع (سحر تخییلی) بود زمانی که عصاها را انداخته بودند حضرت موسی خیال می کرد که اژدهایی است که بسوی او می شتابد در حالیکه آنها عصاهای عادی بودند لیکن قوم فرعون داخل عصاها را از جیوه پر کرده بودند تا عصاها را به حرکت در آورند و یا اینکه یک نوع تردستی محض بود. چنانکه بعضی جادوگران کاغذ عادی را به شکل اسکناس ظاهر می کنند و شما آنرا اسکناس می پندارید یا تکه آهن یا چوبی را ظاهر می کند و گمان می کنید که سکه

است . ولیکن چون از نظر شما پنهان شوند به حالت طبیعی خودش بـر مـی گردد . و یا حشراتی مانند : ملخ و سوسک را طوری نمایان می کنند که شما آنـها را گوسـفند و قوچ می پندارید لیکن چون از شما پنـهان شـوند بـه حـالت طبیعـی خـود شـان بـر می گردند . این چنین جادو هایی تخییلی و چشم بندی بوده و هیچ حقیقتی ندارند .

و نیز مانند بعضی نمایشها که اجرا می شود مثل راه رفتن بر روی ریسمان و یـا دم کارد و یا خوابیدن زیر ماشین و عبور ماشین از روی آن و با چکش به سر کسی زدن و ۰۰۰ که این چنین حرکاتی چشم بندی و بدور از واقعیت است .

حکم جادو و جادو گر

خداوند در بسیاری ازآیات قرآن موضوع جادو را بیـان مـی کنـد زیـرا خطـر آن بسیار سنگین است . به همیـن علـت در سـوره هـای اعـراف ، طـه و شـعراء داسـتان حضرت موسی و قوم فرعون را از ابتدا تا انتهاء بطور کامل بیان می کند .

نیز وقتی یهود تورات را تحریف نموده و تغییر دادند خداوندآنها را بـه عقوبتـی گرفتار کرد که وحی و توراتی که خداوند به حضرت موسی نازل فرمود آنرا سحر و جادو دانستند . این سنت الهی است که هر کـس حـق را بدانـد و بـه آن عمـل نکنـد خداوند آنرا به عقوبت گرفتار می کند تا راه باطل را انتخاب کند . قرآن می فرماید : « فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله لا يهدي القوم الفاسقين » (صف /۵)

آنان چون از راه حـق منصـرف شـدند ، خداونـد دلهایشـان را بیشـتراز حـق دور داشت ، خداوندقوم نا فرمان را هدایت نمی کند .

و هر کس به طاعت مشغول شود خداوند سبحان او را حفاظت می کند و کسیکه ایمان را رها کندبه دام کفر می افتد و کسیکه علم نافع راتـرك کنـد بـه علـم بـاطل گرفتار می شود.

و قرآن می فرماید : « ولماجاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ فريق مـن الذيـن اوتـوا الكتاب كتاب الله وراء ظهورهم » . (بقره/۱۰۱)

و هنگامی که فرستاده ای (حضرت محمد ﷺ) از جانب خدا به سراغ آنان آمد، گرچه (او صافش با نشانه هایی که در کتاب هایشان بود و) با آنچه با خود داشتند ، مطابقت داشت جمعی از اهل کتاب ، کتاب خدا را پشت سر افکندند .

منظورآیه کتابهای تورات و انجیل است که چون نام حضرت محمد ﷺ در آنها ذکر شده بود. چنانچه می فرماید : «الذين يتبعون النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا عندهم في التوراة و الانجيل » (اعراف / ۱۵).

کسانی که پیروی می کنند از پیغمبرانی (که خواندن و نوشتن را نمی دانند) که وصف آن را در تورات و انجیل می یابند .

چون نام پیامبر اسلام در تورات و انجیل آمده بود از روی حسد وعناد کتابهای آسمانی را تحریف نموده و منکر نام پیامبر در آن کتابها شدند خداوندآنها را به عذاب اشتغال به جادو گرفتار نمود .

و می فرماید : « نبذ فريق من الذين اوتوالكتاب كتاب الله وراء ظهورهم كأنهم لايعلمون و اتبعوا ما تتلوا الشياطين علي ملك سليمان » (بقره /۱۰۲- ۱۰۱)

جمعی از اهل کتاب قرآن را پشت سر خود افکندند گوئی آنان نمی دانند (که نام محمد ﷺ در تورات و انجیل آمده است) و آنچه را که شیاطین درباره سلطنت حضرت سلیمان (افتراء و دروغ) بیان می کردند پذیرفته و پیروی می کردند .

خداوند در این آیه به صراحت جادو را کار شیاطین معرفی کرده است لیکن چون جنهایی همچون عفریت ودیگر شیاطین را خداوند تحت فرمان حضرت سلیمان قرار داده بود و د رآن زمان شیاطین کار جادو را انجام می دادند . اهل کتاب

که در نهایت کفر و گمراهی بسر می بردند جادو را به حضرت سلیمان نسبت دادند و گفتند : جادو کار سلیمان است . ولی چون جادو کفر است و خداوند پیامبرش سلیمان را از ارتکاب جادو محفوظ داشته بودبرائتش را اعلان فرمود :

« و ما کفر سلیمان ولکن الشیاطین کفروا » (بقره /۱۰۲)

سلیمان مرتکب جادو نشد زیرا جادو کفر است و کفر از جانب انبیاء محال است . پس این آیت دلیل است که جادوگر کافر است و می فرماید : « ولکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر » شیطانها کافر شدند که به مردم جادو می آموختند.

در این جمله خداوند شیاطین را کافر دانسته زیرا به مردم جادو می آموختند . پس دانسته می شود که آموزش جادو نیز کفراست .

و نیز می فرماید : « و ما انزل علي الملکین ببابل هاروت و ماروت و مایعلمان من احد حتي یقولا انما نحن فتنة فلا تکفر» . و به مردم آن جادو هایی را تعلیم می دادند که در شهر بابل بر دو فرشته بنامهای هاروت و ماروت نازل گردیده بود . آن دو فرشته به هیچ کس چیزی نمی آموختند مگر اینکه (پیشاپیش) به او می گفتند ما وسیله آزمایش هستیم (آنچه به تومی آموزیم به کفر منتهی می شود) پس تو کافر نشو.

هاروت و ماروت (دو فرشته ای که طریق سحر کردن وآشنایی به طرز ابطال آنرا به مردم یاد میدادند) قبل از اینکه به کسی جادو یاد بدهند او را نصیحت می کردند که جادو کفر است و آموزش آن درست نیست ما مردم را آزمایش می کنیم که آیا نصیحت ما را می پذیرند ویا اینکه بر کفر اصرار می ورزند و جادو را فرا می گیرند . این نیز دلیل بر این است که آموزش جادوکفر است .

و می فرماید : « فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه » چیزهایی از هاروت و ماروت آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می افکندند .

این جمله دلیل بر این است که جادو حقیقت دارد و جدایی انداختن بین زن و شوهر بوسیله جادو این است که بغض و عداوت را در بین زن و شوهربوجود می آورد و می فرماید : « و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله » جادو گران به هیچ کس بدون اجازه خداوند نمی توانند ضرر برسانند خداوند ذاتی است که تقدیر خیر و شر، ایمان و کفر، مرض و صحت و همه چیز به اراده اوست گاهی بخاطر امتحان و یا عقوبت ضررهایی رامانند جادو برای انسان مقدر می کند و گاهی بعنوان رحمت وپاداش اعمال صالحه منافع را برای او مقدرمی سازد .

واینکه می فرماید : « و یتعلمون ما یضرهم و لا ینفعهم » (چیزهایی یاد می گرفتند که « از لحاظ دنیا و آخرت » بر ایشان ضرر داشت و نفعی بر ایشان نداشت) دلیل بر این است که جادو ضرر محض است و هیچ نفعی در آن وجود ندارد .

بعضی از حرامها ممکن است هم مفید باشد و هم مضر اما فایده شان کمتر و ضررشان بیشتر باشد شریعت چنین مواردی که ضررشان بیشتر باشد قطعا حرام کرده است . اما خداوند نسبت به جادو می فرماید : جادو بر ایشان ضرردارد ونفعی ندارد یعنی ضرر خالص است و حرمتش قطعی و دائمی .

سپس می فرماید: « و لقد علموا لمن اشتراه ما له في الآخرة من خلاق » به تحقیق می دانستند هر کس خریدار اینگونه متاع باشد بهره ای در آخرت نخواهد داشت .

یعنی جادوگر ایمان خود را می فروشد و در عوض جادو می خرد و چنین کسی که ایمان را به جادو (کفر) معامله کند از نعمتهای آخرت بی نصیب خواهد بود.

این قسمت از آیه نیز دلیل است که جادو کفر و جادوگر، کافر است. زیرا بهشت بر کسیکه به اندازه ذره ای ایمان داشته باشد بطور کلی حرام نمی شود.

در جایی دیگر می فرماید: « و نادي اصحب النار اصحاب الجنة ان افیضوا علینا من الماء ومما رزقکم الله قالوا إن الله حرمهما علي الکافرین » (اعراف/۵۰)

دوزخیان بهشتیان را صدا می زنند که مقداری از آب یا از چیزهایی که خداوند به شما بخشیده است به ما بدهید. بهشتیان می گویند خداوندآب و نعمتهای بهشت را بر کافران حرام کرده است.

و در سوره مائده می فرماید: « انه من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار » (آیه /۷۲)

به تحقیق هر کس برای خداشریک بیاورد به تحقیق که خدا بهشت را بر او حرام ساخته وجایگاهش دوزخ خواهد بود.

دراین آیات دلائل متعددی وجود داردکه جادو کفر است و جادو گران کافر اند و نیز می فرماید: « و لقد علموا لمن اشتراه ما له في الآخرة من خلاق و لبئس ما شروا به انفسهم لو کانوا یعلمون » (بقره/۱۰۳)

به تحقیق میدانستند هرکس خریدار اینگونه متاع باشد بهره ای درآخرت ندارد وبسیار ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته اند. کاش می دانستند.

و درادامه می فرماید : « ولو انهم آمنوا واتقوا » اگر آنان ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند .

یعنی جادو گر نه مومن است ونه از خدا می ترسد . و باز در سوره یونس می فرماید : « و لا یفلح الساحرون » (آیه /۷۷) وجادوگران پیروز نمی شوند .

ودر سوره طه می فرماید : « ولایفلح الساحر حیث اتي » (آیه/۶۹)

جادوگر هرکجا برود پیروز نمی شود .

از این آیات نیز معلوم می شود که جادوگر کافر است زیرا کسی که هرگز به فلاح ورستگاری نمی رسد ، کافر است . اما انسان مؤمن هرچند که ایمانش ضعیف باشد بر حسب ایمانش از فلاح ورستگاری محروم نمی شود .

ودرسوره یونس خداوند چهره دیگری از جادوگر معرفی نموده و می فرماید : « قال موسي ماجئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لایصلح عمل المفسدین » (یونس/۸۱)

(هنگامی که جادوگران فرعون ریسمانها وعصاهای خود را انداختند) موسی گفت : آنچه ارائه دادید واقعا جادو است وقطعا خداوند آن را پوچ ونابود خواهد کرد و(جای شگفت نیست زیرا) خداوند کار فسادکاران را شایسته ومفید نمی گرداند پس ثابت می شود که جادوگر مفسد است . در زمین فساد می کند اجتماع ، شهر وعقاید را فاسد می کند و از راه باطل اموال مردم را جمع آوری نموده زندگی شان رابه تباهی می کشد پس جادوگر به تمام معنی مفسد است .

در سوره فلق نیز پیرامون جادو بحث شده است ، می فرماید : « قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و من شرغاسق اذاوقب و من شر النفاثات في العقد » (فلق/۴-۱) .

بگو به خدا پناه می برم از خداوندگار سپیده دم از شر هر آنچه آفریده است و از شر شب آنگاه که کاملا تاریک شود واز شر کسانی که در گره ها می دمند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود ، اراده ها ، ایمانها ، عقیده ها ، محبت ها و پیوندها را سست می نمایند و فساد و تباهی می کنند) .

منظور از نفاثات جادوگران است . و نفث بمعنی دمیدن همراه با آب دهان زیرا جادوگر نخی را گره میزند و با آب دهان مقداری در آن مالیده و چیزی می خواند و بر آن می دمد به این صورت عمل سحر انجام شده و با همکاری شیاطین و جن های سرکش اثر جادو ظاهر می شود و انسان غافل گمان می کند که نخ و گره های آن تأثیر کرده است و یا گمان می کند که آنچه جادوگر خوانده است از آیات قرآن بوده در حالیکه جادوگران از آیات قرآن استفاده نمی کنند بلکه جملاتی از طرف شیاطین به آنها القاء می شود که مشتمل بر شرکیات و کفریات وکمک خواستن از شیاطین و معبودان باطل است .

جادو از دیدگاه پیامبر اکرم ﷺ : پیامبر ﷺ سحر را یکی از مهلکات هفتگانه قرار داده اند و می فرمایند :« اجتنبوا السبع الموبقات قالوا : ماهي ؟ یارسول الله ! قال : الشرك بالله والسحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق واكل الربا و اكل مال اليتيم والتولي يوم الزحف و قذف المحصنات الغافلات المؤمنات » . (بخاری/عن ابی هریرة) .

ازهفت گناه مهلک پرهیز کنید . صحابه عرض کردند : ای رسول خدا آن گناهان چیست فرمود : شریک گرداندن باخدا وجادو و قتل به ناحق که خدا حرام

کرده است و سودخواری و خوردن مال یتیم و پشت کردن (فرارکردن) در روز جنگ و افتراء کردن بر زنهای پاکدامن بی خبر (از افتراء) و مؤمن.

علاوه بر آیاتی که در سوره بقره بر کافر بودن ساحر و حرمت تعلیم و تعلم سحر دلالت می کرد و در جاهای مختلف دیگری کفر ساحر رانیز ثابت کرده است. پیامبراکرمﷺ نیز در این حدیث سحر را بعد از شرک قرار داده است. و پیامبر خداﷺ به خاطر بیم دادن مردم از ارتکاب آن انواع زیادی از جادو را معرفی نمودند

انواع جادو

نوع اول : تنجیم

قال رسول الله ﷺ : « من اقتبس علما من النجوم فقد اقتبس شعبة من السحر زاد مازاد » .
(روایت کرده امام احمد در مسنده ۳۱۱/۱ ، درحدیث ابن عباس رضی الله عنه)

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند : کسی که یک شعبه ای از علم نجوم را فرا گیردبه تحقیق که یک شعبه از علم جادو را فرا گرفته است و هر چه بیشترفرا گیرد ، بیشتر فرا گرفته است .

منظور از منجمین در اینجا کسانی هستند که از علم نجوم برای حوادث ارضی استدلال می گیرند و می گویند هرگاه فلان ستاره طلوع کند بیماری یا مرگ فرا می رسد و یا باران می آید و یا خشک سالی می شود و هرگاه فلان ستاره طلوع کند اجناس گران و یا ارزان می شود این چنین ادعاهایی کفر است زیرا این ادعای غیب دانستن است و بجز خدا کسی از زندگی و مرگ و گرانی و ارزانی یا بارندگی و خشک سالی در زمان آینده اطلاع ندارد و کسی که از آینده و حوادث آن به وسیله جادو خبر می دهد که همان تنجیم است ادعای غیب گویی کرده است پس تنجیم یک نوع جادو است .

اما فراگیری آن علم نجومی که عبارتست از علم حساب و درجات فلک و فصول سال و اوقات نماز ، مباح و جادو نیست . زیرا خداوند ستارگان رابرای سه هدف آفریده است زینت آسمان ، رجم شیاطین و علائم راهنما .

قرآن می فرماید : « و هوالذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمات البر و البحر » (انعام/۹۷)

خداوند آن ذاتی است که ستارگان را برای شما آفریده است تا (در شبهای سفر) از تاریکی های خشکی و دریا بوسیله آنها رهنمود شوید .

و می فرماید : « انا زينا السمآءالدنيا بزينة الكواكب وحفظاً من كل شيطان مارد » (الصافات/۷-۶) .

ما آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراسته ایم و آنرا از هر شیطان سرکشی حفظ کردیم خداوند بوسیله ستارگان ، آسمان را از شیطانهایی که خواسته باشند استراق سمع کنند حفاظت می کند وآنها را با نوعی ستاره (شهاب) از پای در می آورد و می سوزاند و منظور از نجوم همین است و اما استدلال از ستارگان برای حوادثی که در زمین پیدا می شود این کار جادو گران و منجمین است و مصداق حدیث من اقتبس ... می باشد .

پس تنجیم به این معنی سحر و منجم ساحر است و هر کس ساحر باشد کافر و از دین اسلام خارج می شود . و کسیکه ادعای علم غیب داشته باشد نیز کافر و بلکه از شیطانهای بزرگ است زیرا بجز خدا کسی علم غیب را نمی داند و شاید انبیاء را نیز اندکی از علم خود آگاه کرده باشد .

قرآن مجید می فرماید : « عالم الغيب فلايظهر علي غيبه احداً إلا لمن ارتضي من رسول » (جن/۲۷-۲۶) .

داننده غیب خداست و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی سازد . مگر پیغمبری که خدا از او خشنود باشد .

خداوند بنابر مصلحت گاهی انبیاء را از بعضی مغیبات مطلع می سازد و این از جمله معجزات پیامبران است که به طور وحی منزل از جانب خداوند (نه بطور آموختن تنجیم و سحر) تعلیم گرفته اند .

اما کسی که ادعا کند که علم غیب را می داند مشرك است زیراخود را به بعضی از خصائص خداوند که علم غیب است با خدا شریك کرده است وکافر است ، زیرا بر خداوند سبحان افتراء بسته است .

نوع دوم : دمیدن در نخها و گره ها

چنانچه در سوره فلق می فرماید : « و من شر النفاثات في العقد » بگو به خدا پناه می برم از شر جادو گرانی که در گره ها می دمند .

گره زدن نخها و خواندن اسماء شیاطین و تعویذات شیطانی بزرگترین نوع جادو وکفر آشکار است .

نوع سوم : علم بیان

علم بیان از انواع جادو به شمار می رود و پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمودند : « و ان من الشعر لحكمة و إن من البيان لسحرا[1]» . همانا بعضی از شعرها حکمت و بعضی از بیانات جادو می باشد . منظور از بیان در اینجا فصاحت و بلاغت در خطابت و سخنرانی است زیرا خطیب و سخنران زمانی که بلاغت کلام داشته باشد می تواند با دلائل جذاب باطل را برای مردم آراسته نماید تا راه حق را رها سازند داعیان ضلالت و

گمراهی نیز وقتی برای مردم باکلامی رسا و شیرین سخنرانی کنند می توانند راه باطل راحق جلوه دهند و مصداق قول پیامبر ﷺ «إن من البیان لسحرا۱» همین است. البته حرف من در جمله « و إن من البیان » تبعیضیه است یعنی هر بیانی مذموم نیست. بیانی که حق را روشن سازد و از حقائق حمایت کند قابل ستایش است و سخنران بلیغ وقتی به قصد نصرت ویاری دین خدا و ارشاد مردم به سوی اسلام سخنرانی کند قابل تقدیر می باشد.

لیکن آن سخنران یا نویسنده یا شاعری که به قصد گمراه کردن و منحرف ساختن مردم آنها را با بلاغتش متأثر می کند و فکر شان را دگرگون می سازد مرتکب یک نوع جادو شده است که گاهی ممکن است به کفر بیانجامد.

نوع چهارم: خبرچینی

خبر چینی نیز یک نوع جادو است. زیرا انسان خبر چین نزد کسی می رود به او می گوید: فلانی در باره تو چنین گفت، تو را دشنام داد، فلانی همیشه غیبت تو را می کند تو را بخیل و جاهل معرفی می کند و ... .

سپس نزد دیگری رفته و همین طور خبر چینی می کند تا اینکه بین دو دوست یا دو مسلمان دشمنی ایجاد می کند.

خبر چین بین مسلمانان تفرقه ایجاد می کند و آتش جنگ را بر می افروزد و یا اسباب جدایی را بین خویشاوندان پدر و فرزندان، مادر و فرزندان، برادر و برادر، عالم و طالب، طالب و دانشجو و گاهی بین عامه مسلمین فراهم می سازد و به سبب خبر چینی ممکن است یک اجتماع را تباه و نابود سازد پس خبر چینی یک نوع

جادو است چنانکه خداوند از جادوگران امتهای گذشته نقل می فرمـایـد : « فیتعلمون منهما مایفرقون به بین المرء و زوجه » (بقره/۱۰۲) .

از آن دو فرشته (هاروت و ماروت) جادوهایی را تعلیم می گرفتند که بین مرد و همسرش تفرقه ایجاد کنند .

خبر چین نیز مانند جادوگر می تواند تفرقه ایجاد کند . در کلام بعضی از گذشتگان نیز آمده است می فرماید : « إن النمام یفسد في ساعة ما یفسد الساحر في سنة » (ذکر کرده است ابن مفلح در الفروع ج۶/۱۸۰) .

خبر چین در یک ساعت می تواند به اندازه یکسال جادوگر فساد ایجاد کند . زیرا فساد جادوگر معمولا به دو یا سه یا یک جماعت کوچک محدود و منتهی می شود اما فساد خبر چین یک اجتماع را فاسد می کند . معمولا انسان خبر چین فردی پرکار و کوشا است که از این مجلس به آن مجلس و از این خانه به آن خانه می رود و اختلاف و دشمنی را بین مردم منتشر می سازد .

پیامبر ﷺ فرمودند : « الا اخبرکم ماالعضة (یعني السحر) هوالنمیمة القالة بین الناس » (مسلم/ عبدالله ابن مسعود) .

آیا شما را خبر دهم عضه (جادو) چیست ؟ عضه خبر چینی که بین مردم گفتگو می شود .

پس خبر چینی یک نوع جادو است . اگر چه خبر چین در حکم کفر مانند ساحر نیست لیکن در عمل مانند ساحر است . و خبر چینی از گناهان کبیره است که به حد کفر نمی رسد لیکن مانند جادو و شاید هم سخت تر تأثیر می گذارد و اگر به خبر

چین جادو گر گفته شده ، بخاطر همین است که خبر چینی مانند جادو اثر گذار است خبرچین فاسق است زیرا مرتکب گناه کبیره شده است و واجب است که از این عمل خود توبه کند . این خلاصه ای از انواع سحر بود که پیامبر اکرم ﷺ آنها رابرای امتش بیان فرمودند تا آنها را بشناسند و از آنها پرهیز کنند .

کیفر ساحر

ائمه ثلاثه (ابوحنیفه ، مالک وشافعی) و نیز جمهور علماء به کیفر ساحر اتفاق دارندکه باید کشته شود و از او نخواهند که توبه کند .

هر گاه ساحر بودن وی به اعتراف خودش یا به شهادت دو مسلمان ثابت شد کشته شود و توبه اش پذیرفته نشود زیرا ممکن است توبه اش ظاهری و نیرنگ باشد و نیز ساحر زندیق است و توبه زندیق پذیرفته نمی شود ، چون اعتمادی نیست که توبه اش قلبی باشد باید کشته شود .

زیرا پیامبر اکرم ﷺ می فرماید : « حد الساحر ضربة بالسيف أوضربة بالسيف » (روایت کرده ترمذی در سننه ۱۵۶/۵ ، وطبرانی در الکبیر۱۶۱/۲ ، ودار القطنی در سننه ۱۱۴/۳ ، وامام حاکم در مستدرکه۳۶۰/۴ ،وبیهقی درالسنن الکبری۱۳۶/۸ ، همه ایشان از حدیث جندب رضی الله عنه) .

این حدیث بطور مرفوع و موقوف با اسنادی صحیح روایت شده است که حد ساحر کشتن آن با شمشیراست و ازتوبه چیزی بیان نشده است بعضی علماء گفته اند : که از ساحر توضیح بخواهند اگر سحرش از نوع کفر نیست از او جلو گیری شود

لیکن این فتوا درست نیست زیرا انواع جادو با همکاری شیاطین و از راه کفر و شرک وصل می شود و کفر محض می باشد. شاید آن عده از علماء که چنین فتوا داده اند به گمانشان بجز همکاری شیاطین و کفر و شرک راه دیگری هم برای جادو وجود دارد.

خلیفه دوم اسلام حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه نیز بعد از حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه طی حکمی به تمام استاندارانش دستور داد تا مرد و زن جادوگر را بکشند و دستور به توبه خواهی نداد. راوی می گوید: ما بنابر اجراء فرمان خلیفه مسلمین سه نفر را بقتل رساندیم. (مسند امام احمد ۱۹۰/۱، سنن ابی داود ۱۶۵/۳، سنن بیهقی ۱۳۸/۸).

این فرمان را حضرت عمر رضی الله عنه درحضور مهاجرین و انصار صادر فرمود: وهیچ کس مخالفت نورزید همچنین أم المؤمنین حفصه دخت گرامی حضرت عمر رضی الله عنه همسر پیامبر اکرم کنیز خود را به خاطر ارتکاب جادو بقتل رساند. (مؤطا امام مالک ۸۷۱/۲، مصنف عبدالرزاق صنعانی ۱۰/ ۱۸۱، ۱۸۰، و سنن بیهقی ۱۳۶/۸/ به روایت عبد الله بن عمر).

جندب بن عبدالله ابو جندب بن کعب ازدی یکی از اصحاب جلیل القدر کنیز جادو گری را در مجلس خلیفه با شمشیر کشت. (بخاری ۲/ ۲۲۲، ازحدیث عبدالرحمن بن یزید والطبرانی فی الکبیر ۲/ ۱۷۷، از حدیث ابی عثمان نهدی، والبیهقی فی سننه ۱۳۶/۸، از حدیث ابی عثمان نهدی و سیر اعلام النبلاء للذهبی ۱۷۶/۳، ۱۷۷).

بنا براین روایات امام احمد رحمه الله می فرماید : قتل ساحر از سه تن از اصحاب پیامبر (حضرت عمر و دخترش حفصه و جندب) به روایت صحیح ثابت شده است . این روایات دلیل بر قتل و کشتن ساحر بدون توبه است بلکه نسبت به قتل ساحر باید هر چه سریعتر اقدام شود تا مسلمانان از شرش راحت گردند .

مسئله خیلی مهم است و هر کس بر چنین موردی اطلاع یابد لازم است سریعا به مسئولین شهر خود اطلاع دهد تا حد اسلامی بر او جاري و مسلمانان از شر و فسادش محفوظ بمانند .

از خداوند بزرگ مسئلت داریم که همه ما را در راهی که صلاح اسلام و مسلمین و صلاح قلوب و وحدت کلمه و یک پارچه گی و یاری حق و نابودی باطل درآن باشد موفق بدارد .

و صلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه اجمعین .

پرسش و پاسخ پیرامون جادو و جادوگران

سئوال : آیا سحر وکهانت وتنجیم وعرافه در معنی وحکم خود یکسان هستند ؟

جواب : سحر عبارتست از جادو دود ودم ها ونخ های گره زده ای که جادوگران به قصد تأثیر گذاشتن بر مردم انجام می دهند که اثر آن بصورت قتل یا امراض مختلف و یا تفرقه بین زن و شوهر ظاهر می شود . این عمل کفر و ناپسند و مرض اجتماعی شنیعی است که ریشه کن ساختن و از بین بردنش واجب است تا مسلمانان از شر آن راحت شوند .

کهانت : ادعا کردن علم غیب با استخدام جنیات . شیخ عبد الرحمن بن حسن در کتاب (فتح المجید) می گوید : بیشتر آنچه در بین این امت پیدا می شود اخباری است که از اشیاء مفقود و غایب جنیات به دوستان خود (انسانها) خبر می دهند و افراد جاهل آنرا کشف وکرامت می پندارند و بسیاری از مردم به این صورت فریب خورده و فکر می کنند کسی که چنین اخباری نقل می کند ولی (دوست) خداست در حالی که این افراد دوستان شیطان هستند . و رفتن نزد چنین افرادی که ادعای کهانت دارند گناه است .

امام مسلم به نقل از بعضی ازواج مطهرات از پیامبر خدا ﷺ روایت می کند که فرمود : « من آتي عرافا فساله عن شيء لم تقبل صلوته أربعين يوما » (مسلم۱۷۵۱/۴)

کسیکه نزد عراف برود و از او چیزی بپرسد نماز چهل شبانه روزش به درگاه خدا قبول نمی شود .

امام احمد و ابوداود و ترمذی نیز از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر خدا ﷺ روایت می کند ، می فرماید : « من أتي كاهنا فصدقه بمايقول ، فقد كفر بماأنزل علي محمد » کسی که نزد کاهن برود وآنچه بگوید قبول کند به تحقیق به دین و قرآن محمد کافر شده است . (ابوداود۱۴/۴ ، بلفظ فقد برئ بدل ، و احمد فی مسند۴۸/۲ ، بلفظ فقدبرئ ، والترمذی فی سننه۱۶۴/۱ ، وابن ماجه فی سننه ۲۰۹/۱ ، والدارمی فی سننه ۲۷۵/۱ و ۲۷۶ ، والبخاری فی التاریخ الکبیر۱۶/۳و۱۷،کلهم از حدیث ابی هریره رضی الله عنه) .

امام حاکم نیز ازابی هریره از پیامبر اکرم ﷺ روایت می کند که می فرماید : « من أتي عرافا أو كاهنا فصدقه بمايقول فقد كفر بماأنزل علي محمدﷺ » (رواه امام احمد فی مسند۴۲۹/۲ ، والحاکم فی مستدرکه ۸/۱ از حدیث ابی هریره رضی الله عنه) .

کسیکه نزد عراف یا کاهنی (غیبگو) برود و آنچه می گوید تصدیق کند به تحقیق به آنچه بر حضرت محمد (اسلام و قرآن) نازل شده کافر شده است .

علامه بغوی می گوید : عراف کسی است که ادعا می کند از مقدمات امور که بر مال مسروق و مکان اشیاء گم شده دلالت می کند آشنایی دارد و بعضی گفته اند عراف همان کاهن است (شرح السنه۲/ ۱۸۲) .

شیخ الاسلام ابن تیمیه می فرماید : عراف کلمه ای عام است که کاهن و منجم و رمال همه شان را شامل است . (مجموع الفتوی شیخ الاسلام ابن تیمیه۱۷۳/۳۵) .

تنجیم : استدلال گرفتن از احوال تغییرات فلکیه بـر حوادثـی کـه در زمیـن پیـدا خواهد شد این از اعمال دوران جاهلیت و شرک اکبر است زیرا چنین کسانی عقیده دارند که ستاره گان در نظام هستی تصرف دارند .

سئوال : آیا درست است که جادو گران و کاهنان و عرافان و منجمین بسـیاری از اخبار غیب را می دانند ؟ چگونه اخبارشان را نسبت به بعضی حوادث که پیش گویی کرده اند و سپس واقع شده است انکار کنیم ؟

جواب : این افراد دوسـتان شـیاطین هسـتند و شـیاطین بعضـی اخبـار را از آسـمان استراق سمع می کنند و سپس به دوستانشان (شـیاطین انسـی) القـاء مـی نمـایند . لـذا چنین اخباری نسبت به شیاطین غیب نیست زیرا آنها اخبار را شنیده و از اخبار اطلاع یافته اند لیکن شیاطین اگر یک کلمه ای استراق سمع کرده اند چندیـن کلمـه دروغ دیگر را به آن اضافه می کنند .

و همان یک کلمه راست باعث می شود که مردم در تمام آنچه می گویند آنها را تصدیق کنند .

اما خداوند مسلمانان را در قرآن آگاه نموده می فرماید:«هـل أنبئكم علي من تنزل الشياطين ، تنزل علي كل أفاك أثيم ، يلقون السمع وأكثرهم كاذبون »(شعراء/۲۲۳ ، ۲۲۲ ، ۲۲۱)

آیا به شما خبر بدهم شـیاطین بـر چـه کسـی نـازل مـی شـوند ؟ (والقـاء وسوسـه می کنند ؟) بر کسانی نازل می گردند که کذاب و بس گناهکار باشـند (زیرا کاهنـان

و غیب گویان دروغ گو و دروغ ساز هستند) (به شیاطین) گوش فرا می دهند و بیشترشان دروغگویند) .

اما علم غیب از خصائص خداوند سبحان است و جز او کسی غیب را نمی داند . می فرماید : « قل لایعلم من في السموات والارض الغیب الاالله » (نمل/۶۵) .

بگو : کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب را نمی دانند بجز خدا .

و می فرماید : « وعنده مفاتیح الغیب لایعلمها الاهو » (انعام/۵۹) .

گنجینه ها و کلیدهای غیب در نزد خداست و کسی جز او آنها را نمی داند .

شیخ سلیمان بن عبدالله رحمه الله علیه می فرماید : کسیکه ادعای علم بعضی مغیبات را می کند یا در اسم کاهن داخل است و یا در معنایش با او شریک و به کاهن ملحق می شود . البته اطلاع یافتن از بعضی مغیبات گاهی ممکن است بصورت کشف باشد و گاهی از جانب شیاطین و گاهی بوسیله فال و جدولها و روشهایی که کاهنان استفاده می کنند و یا از راه تنجیم و کهانت و جادو گری و غیره و چنین اعمالی از روشهای جاهلیت می باشد و منظور از جاهلیت در اینجا هر کسی که از پیروان پیامبران نباشد مانند فلاسفه وکاهنان و منجمین و نیز جاهلیت قبل از بعثت پیامبر ﷺ زیرا آنها ازکتابهای آسمانی وآنچه بر پیامبران نازل شده است ، بی خبرند .

سئوال : حقیقت سحر چیست ؟ آیا بعضی جادوها مباح هست ؟ و آیا عمل سحر برای خارج شدن از دین اسلام معتبر است ؟

جواب : سحر در لغت عبارت است از کار با ظرافت که سببش پوشیده باشد . و حقیقت سحر بنا به تفسیر علامه موفق در کتاب الکافی : عبارت است از جادوها و

دود و دم ها و گره هایی که در قلبها و بدنها تأثیر می گذارد و باعث بیماری و قتل و ایجاد تفرقه بین مرد وزن می شود .

تمام انواع جادو حرام است و هیچ نوعی ازآن مباح نیست خداونـد مـی فرمـاید : « ولقد علموا لمن اشتراه ماله في الآخرة من خلاق » (بقره/۱۰۲) .

به تحقیق که می دانستند هر کسی که خریدار ایـن گونـه متـاع (جـادو) باشـد در آخرت هیچ خلاقی (نصیبی) برایش نیست . امـا م حسـن بصـری خـلاق را بـه دیـن تفسیر کرده است . به هر حال این آیه بر تحریم سحر و کفر و مرتکبیـن آن دلالـت می کند و علاوه بر این پیامبر اکرم ﷺ نیر جادو را از مهلکات هفت گانه شمرده اند

امام احمد رحمه الله علیه می فرماید : قتل ساحر واجب است و از سه تن از یـاران رسول خدا (حضرات عمر ، حفصه وجندب) به روایت صحیح ثابت شده است .

بنا بر این عمل سحر خواه به صورت تعلیم و تعلم باشد و یـا بـه صـورت حرفـه و بیشه کفر است و انسان را از دین اسلام خارج می کند و کشتن ساحر واجب است تا مردم از شرش آسوده شوند . زیرا ساحر کافر است و شـر و فسـادش در کـل جامعـه سرایت می کند .

سئوال : تفسیر این آیه چیست ؟ « واتبعوا ماتتلواالشیاطین علي ملـك سـلیمان ومـا كفر سليمان ولكن الشياطين كفروايعلمون الناس السحر ومأنزل علي الملكين ببابل هاروت و مـاروت و مايعلمان من أحد حتي يقولا إنما نحن فتنه فلاتكفر » (بقره/۱۰۲)

جواب : تفسیر آیه زمانی که یهود خواستند تورات را که نام پیامبر اکرم ﷺ در آن ثبت شده بود پشت سر اندازند آن را به عنوان کتاب جادویی معرفی کردنـد کـه

در زمان حضرت سلیمان شیطان آنرا آموزش می دادند و در این کتاب جادو را به حضرت سلیمان نسبت می دادند در حالی که حضرت سلیمان پیامبر خدا بود و و پیامبران الهی از ارتکاب عملی مانند سحر که کفر و گمراهی است مبرا و معصوم اند بلکه جادو کار شیاطین و انسانهای کافر است که به قصد افساد و تفریق بین زوجین و از هم پاشیدن خانواده ها و ایجاد عداوت و دشمنی بین مردم بکار می برند و آن دو فرشته ای که در سر زمین بابل (از شهرهای عراق) به مردم جادو تعلیم می دادند از باب آزمایش و امتحان بود و کسانی را که می خواستند جادو ازآنها تعلیم گیرند ابتدا نصیحت می کردند پس از آن کسانی که جادو را تعلیم می گرفتنند برای ضرر رساندن به مردم استفاده می کردند . سپس خداوند می فرماید : که تأثیر جادو به دست خدا است و هیچ جادویی نمی تواند بدون خواست خداوند به کسی نفع یا ضرری برساند بنا براین انسان مومن باید بر خدا توکل نموده و برای دفع این پدیده شوم و مفسد اقدام نماید . سپس بیان می کند که یهود می دانستند که آموزش کفر و جادو موجب دوری از بهشت می شود با این وجود از روی کفر و سرکشی مرتکب آن می شدند .

سئوال : سحر چیست ؟ چگونه مسلمان آنرا دفع کند و اگر سحر بر او واقع شد چگونه از راههای مشروع می شود آنرا معالجه کرد ؟

جواب : سحر عمل شیطانی و عبارت است از دود و دم ها وتعویذات شیطانی در جسم مسحور تأثیر می گذارد و اسباب قتل و یابیماری را فراهم می سازد و یا بین زوجین و دوستان تفرقه ایجاد می کند و تمام تأثیرات با قضا وتقدیر خداوند است .

چنانچه می فرماید : « و ماهم بضارین به من أحد إلا باذن الله » (بقره/۱۰۲) .
جادو گران نمی توانند به کسی آسیب رسانند مگر به خواست خدا .
و خداوند پیامبر و بندگان مؤمن خود را دستور می دهد که به پروردگار سپیده دم از شر جادوگر پناه ببرند و یکی از انواع جادو سحر تخییلی است که به ظاهر چیزی برای بینندگان پیدا می شود ولی حقیقتی ندارد چنانچه قرآن می فرماید : « وسحروا أعین الناس » (اعراف/۱۱۶) .
و می فرماید : « و إذاحبالهم و عصیهم یخیل إلیه من سحرهم أنها تسعی » (طه/۶۶)
هنگامی که جادوگران ریسمانها و عصاهایشان را انداختند چنان به نظر حضرت موسی رسید که آنها تند راه می روند این همان روش جادویی بود که حیله گران صوفی نما آنرا انجام می دادند .

سئوال : کیفیت این حدیث از لحاظ صحت چیست ؟ می فرماید : « ثلاثة لایدخلون الجنة مدمن خمر و قاطع رحم و مصدق بالسحر » .
سه کس هستند که به بهشت داخل نمی شوند : کسی که به طور مدام شراب بنوشد ، قطع کننده رحم (خویشاوندی) تصدیق کننده جادو . تصدیق جادو چطور است آیا به قدرت ساحر بستگی دارد ؟ یا به تصدیق سحر که حالش از زمان قبل از جادو تغییر یافته است ؟ مسئله را توضیح دهید ؟ خداوند به شما پاداش خیر عنایت فرماید .

جواب : نسبت به حدیثی که در سئوال اشاره شد علامه ذهبی تصریح کـرده است که این روایت را امام احمد و ابن حبان روایت کرده اند و امـام حـاکم آنـرا صحیـح دانسته است .

و اما نسبت به معانی آن اینکه این حدیث کسی را که هر نوع جادویی راتصدیـق کند به شدت مورد سرزنش و تهدید قرار داده است .

از انواع جادو یکی تنجیم است که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید : « من اقتبس علما في النجوم فقد اقتبس شعبة من السحر زاد ما زاد » (مسند امام احمد -از حدیث عبدالله بن عباس) .

کسی که یک باب از علم نجوم را فراگیرد به تحقیق کـه بـه یـک رشـته از علـم جادو چنگ زده است و هرچه بیشتر بیاموزد بیشتر چنگ زده است .

تصدیق سحر گناه و جرم بسیار بزرگ است و تکذیب جادوگران و منجمان و نیز جلوگیری از آنها واجب می باشد زیرا آنها با جادوهای خود مردم را گمراه و آنها را تسخیر نموده و عقاید شان را فاسد می کنند. و جادو بنا به صراحت قـرآن و حدیـث کفر ، و کشتن جادوگران واجب است کسی که جادوگران را تصدیق کند به معنـی این است که باآنها موافق بوده و در این عمل زشت از آنها حمایت کرده است .

اما تأثیر جادو و اثراتی که در پی دارد حقیقی است و انسان باید از شرشـان بـه خـدا پناه ببرد .

سئوال : آیا کمک گرفتن از جادو گران برای برآوردن خواسته ها بدون اینکه به کسی ضرری برسد جایز است یا خیر ؟

جواب : سحر حرام و تعلیم و تعلم آن کفر است ، قرآن می فرماید : « و ماکفر سلیمان ولکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر ... وإلي قوله ومایعلمان من أحد حتي یقولا إنما نحن فتنة فلاتکفر » (بقره/۱۰۲)

سلیمان کفر نورزیده است بلکه شیطان صفتان گناه پیشه کفر ورزیدند که به مردم جادو تعلیم می دادند تا اینکه می فرماید : آن دو فرشته (هاروت و ماروت) به هیچ کس جادو تعلیم نمی دادند مگر اینکه قبلا به او می گفتند : ما برای آزمایش هستیم و تو کافر نشو .

استفاده از جادو برای برآوردن خواسته ها حرام و کفر است و استفاده از آن برای مسلمان جایز نیست علاوه بر این بر هر مسلمان واجب است که جادو را انکار و از انجام آن جلوگیری و ساحر را به قتل برساند و مسلمانان را از شر آن راحت کند و کمک خواستن برای برآوردن خواسته ها بوسیله امور حرام قطعاً نا جایز است .

سئوال : آیا جادو شدن پیامبر ﷺ ثابت شده است ؟ و برخورد و عمل پیامبر ﷺ با جادو و جادوگران چگونه بود ؟

جواب : بلی ، از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر ﷺ جادو شده بودند تا اینکه کاری که انجام نداده بودند گمان می کردند که انجام دادند .

روزی پیامبر اکرم ﷺ به حضرت عایشه رضی الله عنها فرمودند : دو فرشته نزد من آمدند یکی بالای سرم و دیگری پایین پاهایم نشست یکی به دیگری گفت : بیماری این مرد چیست ؟ دیگری پاسخ داد جادو شده است . پرسید چه کسی آنرا

جادو کرده است ؟ جواب داد : لبید بن اعصم . با یک شانه و یک تار مو که آنرا در چاه ذروان انداخته است (بخاری - ۳۰/۷).

علامه ابن قیم می فرماید : این روایت را بعضی از علماء انکار نموده و گفته اند : دادن این نسبت به پیامبر درست نیست و آنها چنین نسبتی را به پیامبر ﷺ نقص و عیب می دانند در حالی که چنین نیست بلکه تأثیر جادو یک نوع بیماری است و مانند سم که در جسم انسان تأثیر می کند جادو نیز تأثیر می کند .

علامه ابن قیم نیز از قاضی عیاض رحمه الله علیه نقل می کند که فرمود : این داستان هیچ نقصی در نبوت پیامبر ﷺ پیدا نمی کند و این که گمان می کردند کاری انجام داده اند در حالی که انجام نداده بودند زمانی که پیامبر ﷺ اطلاع یافت که جادو شده است از خداوند خواست ، و خداوند پیامبر را از مکان سحر آگاه ساخت . پیامبر دعای سحر را بیرون آورده وآن را باطل فرمود در این هنگام اثرات سحر از پیامبر چنان دور شد که گویا از قید و بند آزاد شده است .

پیامبر که نسبت به کسی که ایشان را جادو کرده بود هیچ اقدامی ننمودند و زمانی که صحابه به پیامبر ﷺ عرض کردند اجازه بدهید این جادوگر خبیث را بکشیم پیامبر ﷺ فرمودند : « أما أنا فقد شفاني الله و أكره أن يثير علي الناس شرا » (بخاری۳۰/۷ از حدیث عایشه رضی الله عنها)

مرا خداوند شفا داده است و نمی پسندم که آشوب و درگیری در بین مردم بر پا شود .

سئوال : آیا نماز خواندن پشت سر ساحر یاکسی که سحر را تصدیق کند درست است وآیا ابطال جادو بوسیله جادو ، اگر راهی دیگری پیدا نمی شد ، جایز است ؟

جواب : با توجه به آیات و روایاتی که نسبت به زشتی سحر آمده است نماز خواندن پشت سر افراد فوق درست نیست . پیامبر اکرم ﷺ فرمودند : « إجتنبوا السبع الموبقات قالوا : و ماهي يا رسول الله ؟ قال : الشرك بالله والسحر و قتل النفس ......

(بخاری۲۹/۷ از حدیث ابی هریره رضی الله عنه) .

از هفت گناه مهلک بپرهیزید صحابه عرض کردند : ای رسول خدا آنها چیست ؟ فرمودند : شرک به خدا و جادو و کشتن کسی به ناحق ....

از این روایت دانسته می شود که سحر از دیگر گناهان کبیره بزرگتر است . از آیه ۱۰۲ و۱۰۱ سوره ی بقره دانسته می شود که جادو کفر است زیرا یهود تورات را به سحر مبدل ساختند .

می فرماید : « نبذ فريق من الذين اوتوالكتاب كتاب الله ورآء ظهورهم كانهم لا يعلمون و اتبعوا ما تتلوا الشياطين علي ملك سليمان و ما كفر سليمان ولكن الشيطين كفروا يعلمون الناس السحر » .

عده ای از اهل الکتاب (یهود)کتاب خدا را (تورات) پشت سر انداختند و گویی آنان نمی دانستند . و پیروی کردند از آنچه شیاطین در باره سلطنت حضرت سلیمان می خواندند (که نسبت جادو را به حضرت سلیمان دادند) در حالیکه سلیمان کفر نورزیده بود بلکه شیاطین کفر کردند که به مردم جادو می آموختند .

در ادامه می فرماید : « و مایعلمان من أحد حتي يقولا إنما نحن فتنه فلا تكفر » . هاروت و ماروت هیچ کس را جادو نمی آموختند مگر اینکه پیش از آن به او می گفتند که ما سبب امتحان و آزمایش هستیم پس تو کافر نشوی . از این آیه معلوم می شود که تعلیم سحر کفر است .

و در آخر می فرماید : « ولقد علموا لمن اشتراه ماله في الآخرة من خلاق » .

به تحقیق که آنها دانستند کسیکه جادو را بعوض ایمان بخرد از آخرت (بهشت) بی نصیب است و محرومیت از بهشت مخصوص کافران است پس ساحر کافر است . و نماز خواندن پشت سر کافر درست نیست . مگر اینکه بطور صحیح به درگاه خدا توبه کند .

نیز کسی که سحر را تصدیق کند و عقیده به جواز سحر و حقانیت آن داشته باشد در حکم ساحر است .

خلاصه : سحر پس از شرك بزرگترین گناه بوده و ساحر و تصدیق کننده آن هر دو کافر هستند .

اما قضیه ابطال جادو بوسیله جادو بنا به فتوای صحیح علماء ناجائز است زیرا هر بیماری باید با داروی حلال و مباح معالجه شود و خداوند شما مسلمانان را در حرام نگذاشته است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند : « تداووا ولاتداووا بحرام » بیمار را مداوا کنید اما باچیز حرام مداوا نکنید (سنن ابی داود ۷/۴ - از حدیث ابی دردراء رضی الله عنه) .

حضرت عبد الله بن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که فرمود: « ان الله لم یجعل شفاءکم فیما حرم علیکم » (بخاری - ۲۴۷/۶ - ۲۴۸ معلق از قول ابن مسعود رضی الله عنه).

خداوند شفای شما مسلمانان را در چیزی که بر شما حرام کرده قرار نداده است.

شکی نیست که سحر از بزرگترین محرمات است و تداوی و ابطال سحر با آن درست نیست بلکه جادو را باید با ادویه حلال و با آیات قرآن و دعاهای مأثور علاج نمود و همین برای مسلمان کفایت می کند.

سؤال: نسبت به قضیه سحر که توضیح دادید وفرمودید تصدیق کننده سحر مانند ساحر است چه تصدیقی مراد است؟ آیاتصدیق از ناحیه وجود حقیقی آن یا از ناحیه اینکه ساحر می تواند کارهایی انجام دهد که در حدود قدرت انسان نیست؟

جواب: در اینجا تصدیق بمعنی این است که سحر را حق و یا مباح و یا عمل مشروع و درست بداند اما تصدیق بوقوع سحر و حقیقت آن و اینکه سحر واقع می شود و اثراتی از قبیل قتل ، بیماری ، اختلاف بین زن و شوهر و دوستان یک واقعیت غیر قابل انکار است و تصدیق به این معنی ممنوع نیست زیرا خداونداز تأثیر جادو و ضرر آن خبر داده است و کسی که این مطلب را انکار کند گویا خدا را تکذیب کرده است.

سئوال: قبل از اینکه من هدایت شوم و به ادای نماز ها در وقت شان و قرائت قرآن پایبند گردم نزد یکی از زن های جادوگر رفتم زن جادوگر از من خواست که

مرغی را خفه کنم تا کاری انجام دهد که بین من و شوهرم جدایی پیدا شود زیرا همیشه در بین ما مشکلاتی وجود داشت و من هم یک مرغ را به دست خودم خفه کردم آیا گناه این کار بر گردن من است چه باید بکنم تا از این ترس و اضطراب نجات یابم ؟

جواب : اولاً رفتن نزد زنهای جادوگر حرام قطعی است زیرا جادوکفر و ضرر رساندن به بندگان خداست لذا رفتن نزد جادوگران جرمی بسیار بزرگ است و مرغی را خفه کردن جرم دیگری است زیرا خفه کردن مرغ تعذیب و قتل حیوان به ناحق است و نیز با این عمل تقرب الی غیر الله حاصل شده که شریک است لیکن زمانی که بطور صحیح به درگاه خدا توبه کنی بشرط اینکه دوباره این گناه را تکرار نکنی خداوند گناهان گذشته ات را می بخشد .

و درست نیست که مسلمانان جادوگران را به حالشان بگذارند تا هر چه خواسته باشند با مردم انجام دهند بلکه انکار کردنشان واجب است و بر سران مسلمانان واجب است تا آنها را به قتل رسانده و مسلمانان را از شرشان راحت کنند .

سؤال : چاهی بدون آب وجود دارد که دعاهای جادو را داخل آن می اندازند و عقیده دارند که این چاه محل حفاظت از جنیات است . آیا می توانیم به داخل آن چاه برویم تا دعاهای جادو را بیرون و به اذن خدا باطل کنیم ؟ یا به مسؤلین مربوطه اطلاع دهیم ؟ یا چه کار دیگر انجام بدهیم ؟

جواب : واجب است که شما مسؤلین مربوطه را اطلاع دهید ، تا دعاهای جادو را بیرون آورده و بسوزانند چنانچه پیامبر اکرم ﷺ دستور فرمودند : تا دعای سحر از چاه اخراج و سوزانده شود . (بخاری۳۰/۷ از حدیث عایشه رضی الله عنها) .

بنابر این اگر شما از چنین موضوعی اطلاع داشتید مسئولین را باخبر سازید و برای اخراج و سوزاندن با آنها همکاری نمائید .

سئوال: حکم استفاده از دعاهایی که می نویسند وپوش می کنند چیست ؟ آیا این نوع دعا نویسی از اعمال کهان و جادو گران است ؟

جواب : دعا نویسی اگر به لفظ غیر عربی یا حروف مقطعه باشد به اجماع اهل علم شرک و کفر و نا جایز است و آویزان کردن آن به اعضای بدن یا نصب کردن آن در خانه و غیره جایز نیست لیکن اگر از آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و دعاهای مأثور نوشته شده باشد در باره آن بین علماء اختلاف است لیکن بنا بر فتوای صحیح ناجایز است . زیرا پیامبر اکرم ﷺ از آویزان کردن تمائم نهی فرمودند (مسند امام احمد ،۴/ ۱۵۶/۱۵۴ ، و مستدرک حاکم ، ۴/ ۲۱۹، ۲۱۷، ۲۱۶) از حدیث عقبه بن عامر جحینی رضی الله عنه) .

تمائم : عبارت است ازتعویذاتی که آویزان می شود خواه از قرآن باشد یا از غیر قرآن .

بنابراین آویزان کردن تعویذات واگر چه از قرآن باشد جایز نیست ، به هر حال برای انسان مسلمان کافی است که قرآن تلاوت کند و یا بعضی از سوره ها که خواندن شان در وقت خواب فضیلت دارد یا آیه الکرسی را چند مرتبه تکرار کند و

کسی که قرآن زیاد تلاوت کند و به خدا پناه ببرد صبح و شام خداوند او را از مشکلات حفاظت می کند بدون اینکه تعویذ آویزان کند و یا دعا بنویسد .

سئوال : گاهی بعضی افراد سحری به نام تیز دستی انجام داده که با سرعت یا سبکی حقایق را وا نمود می کنند یا با ورقهای بازی از شماره مخصوصی یاسبک دستی چیزی را نمایان می سازند.

جواب : این از انواع سحر تخییلی و حرام است که آن را طرح دستی و حیله می نامند .

سئوال : یکی از جادوهای رایج این است که نیزه به بدنش فرو می برد و یا در آتش راه می رود و یا با چکش به سرش می کوبد و چنین حرکاتی را در تلویزیون و یا فیلم ها به عنوان معجزه و کارهای خارق العاده نمایش می دهند چگونه با این عمل بر خورد و از آن جلوگیری کنیم ؟

جواب : انکار چنین کارهایی واجب است و اگر قدرت دارید و می توانید از نمایش آنها در تلویزیون و غیره جلوگیری کنید . اما اگر قدرت چنین کاری را ندارید و چنین حرکاتی دیدید مسئولین امر را در جریان بگذارید و از آنها بخواهید جلوگیری کنند .

سئوال : گاهی بعضی افراد در بین اجتماع مردم کارهای تحریک آمیز انجام می دهد مثل اینکه شمشیر یا کارد را به شکمشان فرو می برند ، بدون اینکه هیچ

گونه تأثیری در آنان ایجاد شود حرکاتی که در زندگی یک انسان عادی نیست حکم شریعت نسبت به این کارها چیست ؟

جواب : این چنین افرادی شیاد و دروغ گو هستند و عملشان سحر تخییلی و از نوع همان سحری که خداوند از جادو گران فرعون در قرآن بیان فرموده است :

« فاذا حبالهم و عصیهم یخیل من سحرهم أنها تسعی » (طه/۶۶) .

ناگاه طنابها و عصاهای آنان به نظر شان مار شده و تند راه می روند . **« فلما القوا سحروا أعین الناس واسترهبوهم »** (اعراف/۱۱۶) .

هنگامی که وسایل (وسایل جادوگری خود را) انداختند مردم راچشم بندی کردند و آنها را به هراس افکندند .

این افراد با تردستی و حیله اشیاء را بر خلاف حقیقت شان به مردم نشان می دهند و نیرنگهایی بکار می برند که مردم کارشان را حقیقت می دانند در حالی که دروغ محض است مثل اینکه برای مردم نمایان می کنند که خود را نیزه می زنند یا کسی را می کشند و باز به حالت اولش بر می گردانند یا به مردم نشان می دهند که در آتش وارد می شوند و بر آنها تأثیر نمی کند در حالیکه این کارها خلاف واقع و بر اساس نیرنگ و تردستی به نظر مردم چنین می نمایانند که در آتش وارد می شوند و اگرچه تأثیر نمی کند در حالیکه این کارها خلاف واقع و براساس نیرنگ و تردستی و به نظر مردم چنین ظاهر می نمایند .

لیکن مسلمانان نباید برای چنین افرادی اجازه بدهند تا با حیله و نیرنگهای شان عقاید مردم را فاسد کنند .

در حضور یکی از امراء بنی امیه مردی با تردستی انسانی را کشته و سرش را جدا کرد و سپس او را به حالت اصلی (زنده) برگرداند . بینندگان تعجب کرده بودند جندب ازدی رضی الله عنه آمد و آن مرد را کشت و فرمود : حالا اگر راست می گوید خودش را زنده کند . (سیر اعلام النبلاء۱۷۶/۳ ، ۱۷۷ ، التاریخ الکبیر امام بخاری۲۲۲/۲) .

انسان مسلمان نه تنها نباید در مجالس این افراد حیله گر و کلاهبردار حاضر شود و یا آنها را تصدیق نماید بلکه انکار کردن آن واجب است و مسئولین مسلمان موظف هستند از این افراد جلوگیری و مرتکبین را مجازات کنند .

ممکن است این حرکات به عنوان بازی و فن (هنر) برای مردم معرفی شود لیکن اسماء حقائق را تغییر نمی دهد و حرام را مباح نمی سازد .

سئوال : امامی برای مردم دعاهایی می نویسد که بین زن و شوهر محبت پیدا شود و یا زن بر مرد تسلط پیدا کند و یا بین شان جدایی افتد آیا این عمل جادو است ؟

جواب : کسی که اینچنین دعاهایی بنویسد که بین زوجین محبت پیدا شود و بین زن و مردی که همدیگر را دوست دارند تفرقه ایجاد شود جادوگر است . خداوند در باره دو فرشته (هاروت و ماروت) که جادو تعلیم می دادند چنین می فرماید :

« فیتعلمون منهما مایفرقون به بین المرء و زوجه و ماهم بضارین به من أحد إلا بإذن الله » (بقره/۱۰۲) .

مردم از هاروت و ماروت جادوهایی یاد گرفتند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می افکندند . حال آنکه با چنین جادویی نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد . این نوع جادو را صرف و عطف می نامند .

جادو کفر به خداست و جادوگر کافر است زیرا خداوند در کتاب بزرگش جادو را کفر دانسته است . می فرماید : « و ماکفر سلیمان ولکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر و ماأنزل علي الملكين ببابل هاروت و ماروت و مایعلمان من أحد حتي یقولا إنما نحن فتنة فلاتكفر فیتعلمون منهما مایفرقون به بین المرء وزوجه وماهم بضارین به من أحد إلا بإذن الله ویتعلمون مایضرهم ولاینفعهم ولقدعلموا لمن اشتراه ماله في الآخرة من خلاق » (بقره/١٠٢) .

از جهات مختلف این آیه برداشت می شود که سحر وتعلیم آن کفر بوده و جادوگر کافر است . در حدیث نیز آمده است که : « حدالساحر ضربة بالسیف » یعنی جادوگر از دین اسلام مرتد و باید کشته شود .

بنابراین چنین افرادی صلاحیت ندارند که امام جماعت تعیین شوند زیرا از دین مسلمین خارج اند و اقتداء به آنها درست نیست .

برمسئولین مسلمانان واجب است دست این جادوگران را بگیرند و احکام اسلام را بر آنها جاری نمایند . زیرا جادو باعث فساد جامعه و ذلت و خواری مردم می گردد .

سؤال : حکم احضار ارواح چیست ؟ وآیا این عمل از انواع سحر بشمار میرود ؟

جواب : بدون شک احضار ارواح یک نوع جادو است . و ارواحی که احضار می کنند در حقیقت ارواح مردگان نیست بلکه شیاطین هستند که به شکل ارواح

مردگان خود را نمایان نموده و خود را ارواح افراد مورد نظر معرفی می کنند. زیرا ارواح همه مردگان در قبضه و قدرت خداست که می فرماید: «الله يتوفي الانفس حين موتها والتي لم تمت في منامها فيمسك التي قضي عليها الموت و يرسل الاخري إلي أجل مسمي» (زمر/۴۲).

خداوند ارواح را به هنگام مرگ انسانها و در وقت خواب انسانها بر می گیرد. ارواح کسانی که فرمان مرگ آنان را صادر می کند نگه می دارد و ارواح دیگران را (که هنوز اجل صاحبانشان فرا نرسیده به تن شان) باز می گرداند تا وقت معینی فرا رسد.

احضار ارواح یک نوع جادو است. زیرا ارواح به تدبیر و تسخیر خدا هستند، آزاد نیستند که بروند و برگردند.

وآن ارواح ظاهری که احضار کنندگان معرفی می کنند شیاطین هستند که گاهی بصورت شخص مرده خود را در می آورند.

سئوال: خانواده ای از مشکلات بسیار زیاد و قابل ملاحظه ای شکایت می کنند و اختلافاتی بین خانواده شان وجود دارد به گمان شان انگیزه بروز اختلافات و مشکلات در خانواده تأثیر جادوگری است و سبب شک شان این است که در کیف یکی از خدمتکاران شان چند عدد ناخن و مو دیده شده است.

سئوال شان این است: که راه علاج و بر طرف کردن این مشکلات و اختلافات چیست؟ در حالی که آنها از مکان سحر هیچ اطلاعی ندارند، چه باید بکنند؟

جواب : آن خدمتکاری که ناخن و مو در کیفش دیده شد و نسبت به او مشکوک هستند مجبور کنند . اگر اعتراف نکرد آنرا از خانه و شهر خود دور کنند و اگر ثابت شد که مرتکب چنین جنایتی شده است باید آنرا بـه دادگاه اسلامی تحویل داده تا مطابق قانون اسلام با او برخورد شود اما اگر چیزی ثابت نشد می توانند او را از خود دور کنند تا از خطرات احتمالی محفوظ بمانند .

سئوال : چگونه می توان جادو را از حالات نفسانی تشخیص داد ؟

جواب : در چنین حالاتی انسان باید از اسباب مفید برای معالجه استفاده کند چون بدون دلیل نمی توان اثرجادو را تشخیص دادشاید بیماری خاصی باشد .

سئوال : شخصی نزد ساحر رفته و از او خواسته که شخص دیگر را جادوکند بعد از جادو پشیمان شده است و می خواهد توبه کند راهش چیست ؟

جواب : این انسان در جرم با ساحر شریک است . اگر جادو سبب قتل آن شخص شده باشد باید از او قصاص گرفته شود و اگر سبب بیماری و یا ضرر دیگری شده باشد باید طبق تشخیص قاضی مسلمان جریمه جنایتش را بپردازد و از شخص مسحور عذر خواهی کند و تنها به توبه نمی شود گناهش را جبران کند .

سئوال : نصیحت شما نسبت به کسی که می گوید : عصای موسی جادو بوده است چیست ؟

جواب : حضرت موسی علیه السلام جادو گر نبود و عصای او یک معجزه از جانب خدا بود کسی که عقیده به جادو بودن عصای حضرت موسی دارد باید به

درگاه خدا توبه کند زیرا این عقیده کفر است و انسان را از دایره ی اسلام خارج می کند.

سئوال : ما یک خانواده ی بحمد الله مسلمان هستیم ، به نمازهای شب پایبند و به کارهای اسلامی علاقه زیادی داشتیم مشکل ما این است که از زمانی که در خانه جدید مان ساکن شدیم موارد زیر برای ماپیدا شده است سنگینی در نماز شب ، تنگی نفس ، بیدار خوابی ، تب شدید ، بی علاقه ای بین زن و شوهر ، آیا این موارد اثر جادو است ؟ ما را به چه کاری ارشاد می کنید ؟ التماس دعا و جزاکم الله خیرا .

جواب : ممکن است این موارد را من به شما توصیه می کنم قرآن را در خانه تان زیاد تلاوت کنید بخصوص سوره ی بقره که پیامبر ﷺ فرمودند :

«إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة»

(مسلم۵۳۹/۱ از حدیث أبی هریره رضی الله عنه) .

شیطان از خانه ای که در آن سوره بقره تلاوت شود می گریزد و نیز فرمود :

« ولا تستطیعهاالبطلة » (مسلم۵۵۳/۱ از حدیث ابو امامه الباهلی رضی الله عنه) .

جادوگران در مقابل سوره بقره نا توان هستند .

یعنی در خانه ای که سوره بقره خوانده شود ، شیاطین نمی توانند داخل شوند .

البته آن خانه باید از منکرات و تصاویر آویزان شده خالی باشد زیرا خانه ایکه در آن تصویر باشد ، ملائکه در آن داخل نمی شوند . و خانه ایکه ملائک نباشد شیاطین داخل می شوند پیامبر اکرم ﷺ فرمود : « لاتدخل الملائکة بیتا فیها کلب ولاتصاویر »

(بخاری۶۴/۷ از حدیث أبی طلحه رضی الله عنه)

در خانه ای که سگ و یا تصاویر باشد ملائکه داخل نمی شوند .

پس تلاوت قرآن در خانه ای تأثیر می گذارد که از چنین چیزهایی خالی باشد . و نیز هنگام خواب دو بارآیت الکرسی و سوره اخلاص و معوذتین را بخوانید .

سئوال : بعضی مردم نزد بعضی ائمه و درویشها می روند و می گویند سحر به دست آنها باطل می شود ؟ این قول چقدر درست است ؟

جواب : رفتن نزد جادو گران و تصدیق کردن شان جائز نیست و حتی اگر به مسلمانی اصابت نمود ابطال آن با جادو درست نیست لیکن مسلمانی که به آن مبتلا شود باید به خدا رجوع نموده و به ذات اقدس او پناه ببرد . دعاهای شرعی را بخواند و قرآن کریم را به نیت شفا تلاوت کند و با خواندن آیات و کلمات قرآن از خداوند شفا بخواهد . کسی که بر خدا توکل کند خدا او را بس است و کسی که به خدا پناه ببرد خداوند او را حفاظت می کند .

اما مسلمانی که نزد خرافاتیها ، جادو گران ، شیادان و کلاهبرداران برود بیماری نفسانی و جسمانی اش افزایش پیدا می کند . و شیاطین انس و جن بر او تسلط پیدا کرده زندگی اش را مکدر و عقیده اش را خراب می کنند . پس هیچ پناهگاهی برای مسلمان بجز خدا وجود ندارد .

لذا انسان مسلمان باید به خدا چنگ زده و به خدا اعتماد نماید و قرآن بخصوص آیه الکرسی و معوذتین را تلاوت کند زیرا شفاء در کتاب خداست و قرآن برای مسلمانان کافی است . اما این علماء درویش صفت چون بیشتر شان گمراه کننده و خرافاتی هستند به عقیده شان هیچ اعتمادی نیست و رفتن نزدشان نا جایز است .

سئوال : گاهی مردم هنگام ساختن منزل قوچ یاگوسفند دیگری را ذبح می کنند و عقیده دارند که این کارشان بناء ساختمان را مستحکم می سازد ؟

جواب : این ذبح برای غیرالله و برای شیاطین و جنیات بوده و شرک است . نیز بعضی مردم هنگام تأسیس کارخانه و یا شرکت مرتکب چنین عملی می شوند و آنرا به مصلحت شرکت یا کارخانه می دانند این عمل نیز شرک است زیرا جنیات برای دوستان خود چنین کارهایی را الهام می کنند و به آنها تلقین می کنند که چنین کارهایی مفید است .

از پیامبر اکرم ﷺ روایت است که می فرماید : « **لعن الله من ذبح بغير الله** » (مسلم ، ۱۵۶۷/۳ ، از حدیث علی بن ابی طالب رضی الله عنه) .

خداوند لعنت کرده است کسی را که برای غیر خدا ذبح کند نیز خداوند به خلیلش دستور می دهد : « **قل إن صلاتي و نسكي و محياي و مماتي لله رب العالمين** » (انعام/۱۶۲) .

بگو نماز و عبادت و زندگی و مردن من از آن خداست که پروردگار جهانیان است . نسک همان ذبیحه ای است که در اینجا با نماز ذکر شده است . یعنی همان طور که انسان برای غیر خدا نماز نمی گذارد ذبح هم برای غیر خدا نمی کند در سوره ی کوثر : « **فصل لربك وانحر** » نیز نحر که یک عبادت است با نماز متصلا ذکر شده است یعنی قربانی فقط باید برای خدا صورت گیرد و این عقیده که ذبح می تواند شیطان یا جن را دفع کند عقیده باطل و شرک و همکاری با شیاطین است . از خداوند مسئلت داریم که ما را از این گونه عقاید محفوظ بدارد .

سئوال : نظر شما نسبت به صحت این دو حدیث چیست ؟ پیامبراکرم ﷺ می فرمایند :

۱- « کذب المنجمون ولو صدقوا » . نجومیها هرچند راست بگویند دروغ می گویند .

۲- « کان نبي من الانبیاء یخط فمن وافق خطه فذاك » یکی از پیامبران خدا خطی کشید کسی که خطش با خط آن پیامبر موافق باشد حق است .

نیز حکم شریعت در باره ضرب رمل و تنجیم چیست ؟ آیا احادیثی وجود دارد که حرمت این اعمال را ثابت کند ؟

جواب : درباره تنجیم حکم شریعت این است که اگر منظور از تنجیم استدلال گرفتن از ستاره ها بر حوادث آینده باشد و یا اینکه مؤثر دانستن ستاره گان در نظام کائنات و نزولات آسمانی و نزول امراض و غیره باشد شرك اکبر است و این عقیده از عقاید دوران جاهلیت بوده و حرمت آن قطعی است .

و اما نسبت به حدیث « کذب المنجمون ولو صدقوا » من هیچ آشنایی با حدیث و سند آن ندارم البته معنایش درست است زیرا منجمین خود سرانه سخن می گویند و نسبت به خداوند دروغهایی می بندند زیرا ستاره ها به تدبیر آسمان هیچ تعلقی ندارند و مدبر تنها خداست . خدایی که ستارگان و غیر ستارگان را آفریده است . نیز خداوند ستارگان را به سه هدف آفریده است ۱- زینت آسمان ۲- رجم شیاطین ۳- علائم راهنمایی(بخاری۷۴/۴ از روایت قتاده بن دعامه رضی الله عنه) .

قرآن نیز این اهداف را بیان نموده است لذا کسی که به غیر این سه مورد بخواهد از ستارگان استفاده کند اشتباه کرده و خود را ضایع کرده است .

موارد دیگر (خط و رمل و غیره) که بعضی به عنوان علم غیب و اخبار غیبی و شفای امراض و چیزهای دیگر استفاده می کنند نیز در حکم تنجیم و کهانت و امور شرکیه می باشند زیرا قلب انسان باید به طور کامل به خالق و مدبرش (خداوند) وابسته باشد خدایی که تنها مالك ضرر و خیر و شر است و بر هر چیز قادر و تواناست .

قرآن می فرماید : « و من آیاته اللیل والنهار والشمس والقمر لاتسجدواالشمس و لااللقمر واسجدوا لله الذي خلقهن إن كنتم إياه تعبدون » (فصلت/۳۷) .

از نشانه های (قدرت) خدا شب و روز و خورشید و ماه است برای خورشید و ماه سجده نکنید برای خدایی که آنها را آفریده است سجده کنید اگر واقعا او را عبادت و پرستش می کنید .

و می فرماید : « إن ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة أيام ثم استوي علي العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره ألا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين » (اعراف/۵۴) .

پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش دوره بیافرید ، سپس به اداره ی جهان هستی پرداخت . با (پرده تاریك) شب ، روز را می پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است . خورشید و ماه و ستارگان را آفریده است و همگی به فرمان او هستند .آگاه باشید که تنها او می آفریند و تنها او فرمان می دهد . بزرگوار و جاویدان و دارای خیر فراوان است ، خداوندی است که پروردگار جهانیان است .

تمام این چیزها را خداوند بخاطر مصالحی که خودش می داند آفریده و همه شان در تسخیر امر خدا و به فرمان او انجام وظیفه می نمایند وکسی که این چیزها را در خیر و ضرر مؤثر بداند مشرک است .

اما حدیث « کان نبي من الانبیاءیخط ، فمن وافق خطه فذاك » حدیث صحیحی است که امام مسلم و احمد و بعضی ائمه حدیث آنرا روایت کرده اند .

علماء در توضیح حدیث فرموده اند : این عمل به عنوان معجزه به همان پیامبر اختصاص داشت و ممکن نیست که خط کسی دیگر با خط آن پیامبر موافق باشد . و در خصائص و معجزات انبیاء کسی نمی تواند شریک شود لذا منظور این حدیث نفی توافق خط های رمالها است که بر اساس اکاذیب گذشته است .

سئوال : آیا امور حساب سالها و ماهها و روز ها و اوقات باران و کشت و کار از تنجیم معتبرتر است .

جواب : این چنین حسابها از نوع تنجیم نیست بلکه از علوم مباح است و آنرا علم تسییر می نامند و خداوند خورشید و ماه را برای تعیین و شناختن حساب آفریده است ، می فرماید : « هوالذي جعل الشمس ضیاء والقمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عددالسنین والحساب » (یونس/۵) .

خداست که خورشید را درخشان و ماه را تابان گردانیده است ، و برای ماه منازلی معین کرده است تا شماره ی سالها و حساب (کارها) را بدانیم .

علامه خطابی می فرماید: علم نجومی که از طریق مشاهده و خبر حاصل می شود و وقت زوال و جهت قبله با آن مشخص می شود از علوم ممنوع نیست، والله اعلم (معالم السنن للخطابی۲۲۶/۴، ۲۲۷).

همچنین برای تعیین جهت می توان از علم نجوم استفاده نمود، قرآن می فرماید: « و علامات وبالنجم هم يهتدون » (نحل/۱۶).

و نشانه هایی (از قبیل کوهها و دره ها و بادها و رودها و رنگ خاکها را پدید آورده است که مردم در روز راه خود را بوسیله آنها پیدا می کنند) و (در شبها) به وسیله ستارگان رهنمون شوند.

علامه ابن رجب می فرماید: در نزد جمهور فرا گیری علم نجوم باندازه شناختن قبله و راههای مسافرت جائز است و بیشتر از آن باعث تضییع وقت می گردد. (فضل علم السلف على الخلف صفحه ۲۲).

امام بخاری در صحیح خود از حضرت قتاده رضی الله عنه روایت نموده: « خلق الله هذه النجوم لثلاث زينتة للسماء و رجوماً للشياطين و علامات يهتدي بها، فمن تأول فيها غير ذلك أخطأ و أضاع نصيبه وتكلف مالا علم له به ».

خداوند این ستارگان را برای سه مقصد آفریده است: برای زینت آسمان و رجم شیاطینی که از آسمان استراق سمع می کنند و برای علامت هایی که راه را بوسیله آن پیدا کند. پس کسی که به نحو دیگری تأویل کند خطا نموده و نصیب خود را ضایع کرده و خود را به چیزی که نمی داند مکلف ساخته است. (بخاری۷۴/۴).

شیخ سلیمان بن عبدالله می گوید : این حدیث از قرآن گرفته شده که می فرماید:
« و لقد زينا السماء الدنيا بمصابيح و جعلناها رجوما للشياطين » (ملک/٥)

و می فرماید : « و علامات وبالنجم هم يهتدون » .

اما شناختن وقت باران از ستارگان چیزی غیر ممکن است زیرا وقت نـزول بـاران از غیب هایی است که به جزء خدا کسی آنرا نمی داند و ارتباط دادن نزول باران بـه احوال ستارگان استسقاء بالانواء و از امور جاهلیت است . لیکن شناختن وقت کشـت و کار به فصل های سال بستگی دارد و از علم حساب دانسته می شود .(والله اعلم)

سئوال : نظر شما در باره ی شانه بینی و کف خوانی و این چنین کارهـا چیسـت ؟ آیا کسی که مرتکب چنین کارهایی می شود گنهکار می باشد ، یا کسی که نـزد آن برود و او را تصدیق کند نیز در گناه شریک است ؟

جواب : بدون شک این خرافات و اوهام جاهلیت و اعمال شرکیه کارهای شیطانی است و برای هیچ مسلمانی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد درست نیست که نزد این افراد رفته و یا آنها را تصدیق کند . پیامبر اکرم ﷺ می فرماید : « من أتي كاهنا أو عرّافا ، فصدقه بما يقول ، فقد كفر بما أنزل علي محمد ﷺ » (این زا احمـد در کتـاب مسند۲/ ۴۲۹ از حدیث ابی هریره و حسن رضی الله عنه ، و نیز حاکم در مسـتدرک۱/۸ از حدیـث ابـی هریـره ، همچنین بیهقی در سته الکبری ۱۳۵/۸ از حدیث ابی هریره روایت می کنند) .

کسی که نزد کاهن یا جادوگر برود و آنچه می گوید تصدیق نماید به تحقیق که به آنچه بر پیامبر نازل شده کفر ورزیده است .

بنابر این رفتن نزد آنها و سئوال کردن از آنان و تصدیق کردنشان جایز نیست . انسان مومن باید برخدا توکل نموده و خود را با ذات اقدس او مرتبط سازد و از آنچه دین را فاسد نموده و در عقیده خلل بوجود می آورد یا او را از راه ی اسلام منحرف می سازد ، بپرهیزد .

سئوال : نظر شما در باره شانه بینی چیست ؟

جواب : شانه بینی ادعای غیب دانستن و کهانت است و کهانت نوعی جادوست .

سئوال : آیا استدلال گرفتن از ستارگان بر جاهای مخصوصی از زمین مثل معادل و مخازن و غیره صحیح است یا خیر ؟

جواب : ستاره ها بر مکانهای مخصوص زمین دلالت نمی کنند بلکه مسافرین راه و جهت سفرشان را بوسیله ی ستارگان می توانند بشاسند و هدف این آیه « لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر » نیز همان است . اما پیدا کردن مه' ـ و مخازن و سفره های آبهای زیر زمین بوسیله ستارگان چیزی نا ممکن است .

سئوال : گنج هایی از قدیم زیر زمین دفن شده است و بعضی بخاطر پیدا کردن و اخراج گنج های زیر زمین نزد بعضی شیوخ می روند که ادعای ارتباط با جنیات دارند آنها بعضی آیا ت قرآن را تلاوت نموده و با استفاده از طلسم ها مردم را به • ـل گنج های مدفون راهنمایی می کنند آیا این عمل درست است یا خیر؟

جواب : این عمل جایز نیست . زیرا طلسم هایی که جنیات را حاضر می کند و بوسیله آنها از جنیات کمک گرفته می شود از امور شرکی است . و شرک امری

بسیار خطرناک می باشد . خداوند می فرماید : « و من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار و ما للظالمین من أنصار » (مائده/٧٢) .

بنابراین واجب است که از رفتن نزد چنین کسانی خودداری نموده و برادران مسلمان خود را نیز بر حذر داریم . غالبا چنین افرادی مردم را بازیچه قرار داده و اموالشان را به ناحق می گیرند . چیزی تخمینی به مردم می گویند اگر راست در آمد بین مردم آنرا مشهور می سازند و بدینوسیله مردم را می فریبند . من به برادران مسلمانم و کسانی که به این امر مبتلا شده اند توصیه می کنم : از اشاعه ی کذب و شرک به خدا بپرهیزند زیرا دنیا بزودی پایان خواهد یافت و حساب آخرت بسیار سخت است . لذا به درگاه ی خدا از این عمل توبه کنید و اعمال خود را درست و اموال خود را پاک بدارید .

سئوال : در عصر حاضر ما بیشتر صحبت مردم از التباس جنیات با انسانها و حلول آنها در درون انسانها می باشد و در حالیکه بعضی منکر این قضیه هستند و بعضی نیز مطلقا وجود جنیات را انکار می کنند آیا این بر عقیده ی شخص مسلمان مؤثر است یا خیر ؟ و آیا دلیلی بر لزوم ایمان به جن وارد شده است یا خیر ؟ و بین جنیات و فرشتگان چه تفاوتی وجود دارد ؟

جواب : انکار وجود جن کفر و ارتداد از اسلام است چون وجود جنیات بطور متواتر در قرآن و حدیث و اخبار وارد شده است . و ایمان بوجود جنیات جزء ایمان به غیب است چون ما آنها را مشاهده نمی کنیم و برای اثبات وجودشان ، بر خبر

صادق اعتماد و اعتقاد داریم . خداوند در باره ی ابلیس و سپاهش چنین می فرماید :
« إنه یراکم هو وقبیله من حیث لاترونهم » (اعراف/۲۷) .

شیطان و همدستانش شما را می بینند ، در صورتی که شما آنها را نمی بینید .
اما انکار حلول جن در پیکر انسان ، کفر نیست و خطا محسوب می شود گر چه این کار موجب تکذیب آنچه با ادله ی شرعی و واقعیت به اثبات رسیده می باشد . لیکن چون این مسئله پوشیده و پنهان است ، مخالفت با آن موجب کفر نبوده بلکه خطا می باشد . چون برای انکار آن به هیچ گونه دلیلی تکیه ندارد و فقط بر عقل و وقوه ی ادراک خویش اعتماد می کند و عقل در امور غیبی وسیله ای برای قیاس کردن نیست و نیز عقل هیچگاه بر ادله ی شرعی چنانچه اهل ضلالت برآن قائل اند ، ترجیح ندارد .

بین ملائکه و جن تفاوتهای مختلفی است

۱- در اصل خلقت شان که جنیات از آتش سوزان و فرشتگان از نور آفریده شدند .

۲- فرشتگان بندگان مطیع ، فرمانبردار ، مقرب و مورد احترام خداوند می باشد چنانچه خداوند می فرماید : « بل عباد مکرمون ، لایسبقونه بالقول وهم بأمره یعملون » (انبیاء/۲۷، ۲۶) .

فرشتگان بندگان محترمی هستند آنها در سخن گفتن بر خدا پیشی نمی گیرند و تنها به فرمان او کار می کنند .

و نیز می فرماید : « لا یعصون الله ماأمرهم و یفعلون مایؤمرون » (توبه/۶) .

از خدا در آنچه به آنها دستور دهد نافرمانی نمی کنند و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند .

اما جنیات ، بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافر می باشند چنانچه خداوند تبارك و تعالی از آنها در قرآن خبر داده ، می فرماید : « و أنا مناالمسلمون و مناالقاسطون » (جن/۱۴) .

در بین ما ، فرمانبرداران و منحرفان و بیدادگرانند .

بعضی از آنها مطیع و فرمانبردار و بعضی نیز گنهکار هستند و خداوند در این باره می فرماید : « وأنا مناالصالحون و منادون ذلك » (جن/۱۱)

وبعضی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارند و بعضی از ما جز این (یعنی نافرمان و بی دین) . و بسیاری دیگر از آیات قرآن که در این باره وارد شده است .

سئوال : بعضی از مردم چون از تلاوت قرآن آگاهی ندارند از جنیات یاری و استعانت طلبیده و می گویند : این جن مسلمان من است و از او درباره ی محل سحر و جادو سئوال می کند . آیا در این باره سخن مورد بحثی وجود دارد یا خیر ؟

جواب : از جنیات نباید یاری طلبید خواه جن مسلمان باشد و یا به اسلام اعتراف کند زیرا ممکن است بخاطر اینکه انسان را فریب دهد به اسلام اعتراف کند لذا شریعت یاری خواستن از جن را مسدود کرده است .

مدد و یاری باید از کسی گرفت که حاضر و قادر بریاری و کمک باشد .

خداوند در داستان حضرت موسی می فرماید : « **فاستغاثه الذي من شيعته علي الذي من عدوه** » (قصص/۱۵) .

حضرت موسی در محل حاضر و قادر بر اعانت بود . چنین در خواستی در امور عادی مانعی ندارد .

سئوال : در دیار ما اگر طفلی یا حیوانی مریض شود نزد شیخی می رویم ، او برای ما کاغذ می نویسد که ما آنرا سوزانده و دودش را استشمام می کنیم یا آنرا در آب انداخته آب را می نوشیم و یا آنرا به گردن مریض یا حیوان آویزان می کنیم . حکم این عمل از نظر شریعت چیست ؟

جواب : این عمل از خرافاتی است که هیچ دلیلی برای آن از جانب خدا نازل نشده است و نمی دانیم که در کاغذ چه نوشته شده گاهي بعضی کلاهبرداران شیاد در کاغذ الفاظ شرك و کفر می نویسند . بهر حال پرهیز کردن از چنین کارهایی لازم است و شما باید به خدا توکل نمائید که می فرماید : « و إن يمسسك الله بضر فلاكاشف له إلاهو وإن يردك بخير فلاراد لفضله » (یونس/١٠٧) .

و می فرماید : « و إن يمسسك الله بضر فلاكاشف له إلا هو و إن يمسسك الله بخير فهو علي كل شئ قدير » (انعام/١٧) .

و نیز به نقل از حضرت ابراهیم می فرماید : « و إذا مرضت فهو يشفين » (شعراء/٨٠)

باتوجه به آیات مذکور انسان مؤمن باید در هنگام بیماری بر خدا توکل کند و با دعا و عبادت و تضرع به در گاه خدا ، از او شفاء بخواهد زیرا شفا و تندرستی بدست اوست . و رفتن به نزد خرافاتیان و شیادان و گرفتن اوراق و سوزاندن و استشمام کردن دود و امثال آن از بازیهای شیطان است پس به درگاه خدا توبه کنید و از داروهای مباح استفاده نمائید زیرا رسول خدا ﷺ می فرماید : « ماأنزل الله داء إلا أنزل له دواء علمه من علمه و جهله من جهله » (بخاری١٢/٧ از حدیث ابی هریره و مسند امام احمد٤١٣/١ و مستدرك امام حاکم١٩٧/٤-١٩٦ هر دو از حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه)

هیچ بیماری بدون دارو نازل نشده است بعضی داروی بیماری را شناختند و بعضی نشناختند .

پس بر شما لازم است که از داروهای مباح و معالجه طبی استفاده نمائید و از خرافات اجتناب نمائید .

سئوال : دیدگاه شریعت در باره ی نوشتن قرآن و به گردن آویختن آن بـه قصـد حفاظت از مشکلات و بدست آوردن محبت انسان دیگر چیست ؟

جواب : صحیح ترین قول علماء بر این است که نوشـتن قـرآن بصورت کتـاب و تعویض و به گردن آویختن درست نیست . زیرا هدف نزول قرآن این نبوده اسـت و هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد علاوه بر این ممکن است از این روش بعضـی سـوء استفاده نموده و به نام قرآن الفاظ شرکیه و مجهولی را بنویسند . لذا بـرای سـد بـاب علماء نوشتن قرآن را در تعویذات نهی فرموده اند البته آنچه که نسـبت بـه قـرآن در این باره وارد شده است خواندن آیات قرآن بر انسانهای مصیبت دیده و مریض است بنابراین نوشتن قرآن و به گردن آویختن آن بـه قصـد حفـاظت و کسـب مـودت نـیز بدون اختلاف ناجائز است .

سئوال : آیا برای مسلمان درست است که آیت الکرسی یا بعـض آیـات و ادعیـه قرآنی را به قصد تبرك و به اعتقاد اینکه به سبب آن شیطان دفع مـی شـود در گردن یا خانه یا ماشین و یا محل کار خود آویزان کند ؟

جواب : بنا به فتوای صحیح این کار درست نیست زیـراپیـامبر ﷺ از تعلیـق تمـائم (آویزان کردن تعویذات) نهی فرمودند و علماء گفته اند :

تمائم : عبارتسـت از چیزی کـه بـرای دفـع نظـر چشـم بـه گردن اطفـال آویـزان می کنند . و حضرت عبـد الله بـن مسـعود از پیـامبر خـدا ﷺ روایـت مـی کنـد کـه

فرمودند : « ان الرقي والتمائم والتولة شرك » (رواه احمد و ابوداود و صححه الحاكم و وافقه الذهبی) .

علماء از این حدیث استنباط نموده اند که آویختن آیات قرآن به گردن و یا دیگر اعضای بدن درست نیست . علاوه بر این ممکن است از الفاظ دیگری بنام قرآن استفاده شود و یا این عمل در نتیجه موجب اهانت و بی احترامی به قرآن گردد .

اما نسبت به آویختن آیات قرآن به قصد تبرك و یا حفاظت در ماشین یا دیوار خانه یا محل کار من هیچ یك از علماء را ندیدم که به جواز آن معتقد باشد .

البته روش علماء این است که قرآن را در سینه هایشان حفظ نموده و در صحیفه ها می نویسند و به آن عمل می کنند ، احکامش را می آموزند و در معانیش آنطور که خدا دستور فرموده است فکر و تدبر می نمایند .

سئوال : آیا در شریعت مطهر دعا خوانی قرآن بر مریض ممنوع شده است ؟ آیا دعاخوان می تواند در مقابل عمل خود مزد یا هدیه بگیرد ؟

جواب : دعا خوانی قرآن بر مریض به روش مشروع به اینکه قرآن بخواند و بر مریض و یا در محل درد و یا در آبی که مریض بنوشد دم کند درست است زیرا پیامبرﷺ دعاخوانی نمودند ودعایشان مؤثر واقع شد . (بخاری درکتاب الطب ٢٢/٧-٢۶)

علامه سیوطی می نویسد : به سه شرط دعا خوانی درست است :

١- دعا خوانی به قرآن یا اسماء و صفات خدا باشد .

٢- به زبان عربی ، که معنایش فهمیده شود .

۳- عقیده داشته باشد که تأثیر در ذات دعا نیست بلکه به تقدیر خداست . (فتح المجید ۲۴۳/۱)

گرفتن اجرت یا هدیه در مقابل دعا خوانی درست است . زیرا پیامبر ﷺ به صحابه هایی که مار گزیده ای را دعا خوانی کرده بودند ، اجازه داده که اجرت بگیرند و فرمودند : « ان أحق ما أخذتم علیه أجرا کتاب الله » (بخاری۲۳/۷ از حدیث ابن عباس رضی الله عنه) از هر چیز قرآن سزاوارتر است که بر آن مزد بگیرید .

سئوال : در این ایام شنیده می شود که بعضی بیماریهای تشنجی وجنی و کسانی که نظر چشم شده اند را با قرآن معالجه می کنند تعویذاتشان برای عده ای مفید واقع شده است . آیا این عمل شرعاً درست است ؟ و آیا کسیکه نزد این افراد برود گنهکار است ؟چه شرایطی برای کسانی که با استفاده از قرآن معالجه می کنند باید وجود داشته باشد ؟ آیا از علماء گذشتگان درباره علاج مسحورین و بیماریهای تشنجی و غیره با استفاده از قرآن ثابت است یا خیر ؟

جواب : معالجه امراضی چون تشنج ، چشم زدن ، جادو و غیره بوسیله آیات قرآنی اشکالی نداشته و اینگونه معالجه را رقیه می نامند . و رقیه به این صورت است که قاری آیاتی از قرآن تلاوت می کند و سپس در محل بیماری ، می دمد . و رقیه به آیات قرآن و دعاهای مأثوره جایز است و منعی که در این رابطه وجود دارد مربوط به رقیه هایی است که حاوی الفاظ شرك آمیز هستند ، و در اینطور دعاهای استمداد از غیر خدا ، استعانت و یاری از جنیات و شیاطین وجود دارد این کار حرفه انسانهای کلاهبردار و شیاد و دجال می باشد که با نام های مجهول (به اهداف نا

مطلوب شان می رسند) اما رقیه به آیات قرآن ودعاهایی که در احادیث وارد شده مشروع و جایز است .

خداوند قرآن را برای امراض حسی و معنوی مانند : بیماریهای قلبی و پوستی شفا قرار داده است لیکن به این شرط که کسی که عمل رقیه را انجام می دهد و کسی که برایش رقیه خوانده می شود ، خلوص نیت داشته باشد و نیز معتقد باشند که شفاء از جانب خداوند بوده و رقیه که کلام خداست سببی از اسباب نافعه خداوند برای درمان می باشد .

و برای معالجه با آیات قرآن رفتن نزد افرادی که به استقامت در ایمان و سلامت در عقیده شناخته شده اند و مرتکب رقیه شرک آمیز نشده و از جنیات و شیاطین کمک نمی گیرند و فقط رقیه شرعی می دهند ، اشکالی ندارد .

تعویذ و درمان به آیات قرآن از جمله سنت های رسول خدا ﷺ و علمای سلف می باشد و ایشان امراضی مانند : چشم زدن ، تشنج ، سحر و جادو و غیره را بدینوسیله معالجه می کردند و معتقد بودند که این عمل از جمله اسباب نافع و مباح است و شکی نیست که درمان کننده حقیقی و واقعی خداوند یکتا و یگانه است نکته مهم این است که بعضی از افراد کلاهبردار و شیاد و جادوگر گاهی اوقات بخشی از آیات قرآن یا دعاهای وارده را با الفاظ شرک آمیز و یاری طلبیدن از جنیات و شیاطین مخلوط نموده و بعضی از افراد نادان آنها را شنیده و گمان می کنند که این گروه با آیات قرآن درمان می کنند . این از جمله نیرنگ هایی است که لازم است آن را دانسته و از آن اجتناب و دوری گردد .

سؤال : نظر شما در باره کسیکه از بعضی صالحین نوشته قرآنی برای شفاء بیماری می گیرد سپس کاغذ را در آب انداخته تا کلمات نوشته شده در آب محو شود و سپس سه مرتبه از آن بنوشد و باقی را بر محل درد بمالد ؟

جواب : بهتر آنست که انسان مسلمان آیاتی از قرآن را بر برادر مسلمانش خوانده و سپس بر جسم یا محل درد بدمد . این عمل همان رقیه (تعویذ) شرعی است و اگر برایش درآب و یا هر نوشیدنی دیگری آیات را بخواند ، باز هم جایز بوده و در احادیث نبوی نیز وارد شده است . اما اگر آیات قرآن را در ورق کاغذ نوشته و سپس آنرا در داخل آب انداخت و شخص مریض نیز آنرا نوشید ، بعضی از علماء چنین درمانی را بر دیگر معالجات قرآنی قیاس نموده و جایز قرار داده اند . چون خداوند خبر می دهد که قرآن شفاء است و اگر خدا بخواهد هیچ نقصانی متوجه او نمی شود . ولی بهتر همان است که از پیامبر شنیده شده و قبلا آنرا بیان نمودیم که خواندن آیات قرآن بر شخص مریض بطور مستقیم و یا خواندن آیات در آب و نوشیدنی می باشد (بخاری۲۵/۷ ، ۲۴ از حدیث قتاده ، عائشه و ابی سعید رضی الله عنهم) .

سئوال : من برای برطرف شدن بیماریها دعا می نویسم ، آیا نوشتن آیاتی از قرآن برای نوشاندن بیمار جایز است یاخیر ؟

جواب : آنچه از پیامبر ﷺ در این باره وارد شده ، خواندن آیاتی از قرآن بر مریض است به اینصورت که مستقیما آیاتی بر او بخواند و سپس بر بدنش بدمد . تعویذی که از پیامبر وارد شده است ، به همین صورت می باشد .

(بخاری۲۶/۷، ۲۴ و مسلم۱۷۲۸/۴، ۱۷۲۴، ۱۷۱۹، ۱۷۱۸) .

و دیگر دعاهای شرعی که تعویذ دادن به آنها در احادیث وارد شده است . اما نوشتن آیات قرآن کریم در ورق ، کاسه ، و یا دیگر ظروف و سپس غسل کردن و نوشیدن از آب آنها چنین مسئله ای را بعضی از اهل علم جایز قرار داده و آنرا در تحت رقیه داخل می دانند . لیکن بهتر همان روش سنت است که شخصی مستقیماً بر خود بیمار یا درآب بخواند و سپس شخص مریض آنرا بنوشد و از پیامبر ﷺ اینطور وارد شده است . بنا به دلائل مختصری که در این باره آمده است این بهترین روش است . والله اعلم .

سئوال : نظر شرع مقدس اسلام در باره ی نوشتن آیات قرآن و یا بعضی اسماء مبارکه خداوند و محو کردن مکتوب در آب و سپس نوشیدن آن به قصد شفاء از بیماری یا طلب منفعت چیست ؟

جواب : کسی که بیماران را بوسیله ی قرآن علاج می کند مناسب است که به طور حضوری آیات قرآن را تلاوت و به طرف مریض دم کند این روش مفید تر و بهتر و کاملتر است زیرا پیامبر اکرم ﷺ و نیز علمای گذشته این روش را انتخاب کرده بودند . روش دیگری نیز که از بعضی از احادیث ثابت شده است این است که در آب بخواند و سپس به مریض نوشانده شود .

اما این که قرآن بر روی چیزی پاک مانند ورق کاغذ با چیزی پاک نوشته شود و مکتوب در آب حل و به مریض نوشانده شود این طریقه را بعضی از علمای گذشته

مانند امام احمد حنبل اجازه داده است (المسائل والرسائل المروية عن الامام احمد ١١٤/٢، ١١٢) .

شيخ الاسلام ابن تيميه نيز در مجموعه الفتاوى (ج/١٩ص/٦٥ - ٦٤) و علامه ابن قيم در زادالمعاد (ج/۴ ص/١٧١ - ١٧٠) مى نويسند اين روش از بعضى علماى گذشته معروف است ليكن ترك اين روش بهتر است تا از دو روش كه از احاديث ثابت شده است استفاده شود .

سؤال : آيا معالجه ى بيمار به نوشتن آياتى از قرآن بر روى تكه چوب سپس آنرا در آب حل كردن و به مريض نوشاندن ، جايز است ياخير ؟ وآيا اجرت در قبال اين عمل درست است ؟

جواب : به شرط اينكه آيات قرآن بر روى چيز پاكى نوشته شود اشكالى ندارد و امام احمد و بسيارى از ائمه مانند شيخ الاسلام ابن تيميه در مجموعه الفتاوى و علامه ابن قيم در زادالمعاد وعده اى ديگر از علماء اجازه داده اند ليكن بهتر است كه دعاخوانى بصورت حضورى وشفاهى باشد كه پس از خواندن آيات قرآن بطرف مريض يا عضو محل درد ، دم شود . و نيز اجرت گرفتن در قبال كتاب قرآن به شرط شفاى مريض اشكالى ندارد زيرا اجرت گرفتن در دعاخوانى درست است و پيامبرﷺ از صحابه ايكه در قبال دعاخوانى اجرت گرفته بود تأييد كردند (بخارى ٢٣/٧ از حديث عبدالله ابن عباس) .

سئوال : آيا بردن زن جادو شده در نزد يكى از مشايخ جهت دعا خوانى درست است يا خير ؟

جواب : اگر شیخ مورد نظر در دینداری و تقوا و عقیده صحیح و معروف باشد و آداب شرعی را از نظر حجاب و عفاف رعایت کند ، با زنان خلوت نمی کند ، تقاضای کشف اعضاء و زینت زنان را نمی کند و در دعا خوانی از آیات قرآن استفاده می کند ، اشکال ندارد لیکن اگر به آداب و اخلاق اسلامی و دینداری و تقوا و عقیده ی صحیح پایبندی و شهرت ندارد و نسبت به احکام اسلامی کوتاهی می کند از حضور در نزد چنین کسی باید خودداری نمود .

سئوال : نظر شما در باره ی بازکردن محلی مخصوص برای دعاخوانی چیست ؟

جواب : باز کردن محل مخصوصی برای دعاخوانی درست نیست و علمای گذشته نیز چنین کاری انجام نداده اند زیرا درِ حیله برای حیله گران باز می شود ، بازار رقابت و سودجویی گرم می شود و با توجه به اینکه انسان هر چند صالح و نیک باشد ممکن است شیاطین آنرا به فتنه بیندازند و در نتیجه به کارهای حرام و خلاف شرع دست بزنند لذا برای هیچکس اجازه نیست که از این روش استفاده نماید .

سؤال : همسرم از بیماریهای مختلف شکایت می کند به پزشکان زیادی مراجعه نمودیم ، که هر نوع بیماری را در وجودش انکار نمودند همسرم در شک است که شاید جادو شده باشد و بارها از من خواسته است که او را برای ابطال سحر نزد بعضی مشایخ ببرم در حالیکه من این کار را حرام می دانم اکنون در زندگی زناشویی هیچ استراحتی برایم نیست نظر شما در این باره چیست ؟ راه ی حل این مشکل را بیان فرمایید ؟

جواب : انواع بیماری ها زیاد است و می توان هر کس را که بیمار باشد مسحور تلقی کرد . به نظر من این فکر یک وسواس است که باید آنرا با دعا و تضرع و التماس به درگاه ی خدا دفع نمود . و نیز می توان از دعاهای شرعی (قرائت قرآن بر مریض) و تعویذات شرعی استفاده نمود . علاوه بر این به پزشکان نیز باید مراجعه نمود زیرا ممکن است نوع بیماری آنرا تشخیص داده و علاج نمایند و اگر چنانچه ثابت شود که بیماریش جادو بوده برای حل آن باید از دعاهای شرعی که توسط علمای معروف و باتقوا خوانده می شود ، استفاده نموده و از رفتن نزد شیادان و جادوگران برای ابطال سحر خودداری نماید که جادو گر نمی تواند جادو را باطل کند . از پیامبر خدا ﷺ در این باره سئوال شد ، در پاسخ فرمودند : « هو من عمل الشیطان » این کار شیطان است . (امام احمد در مسند۲۹۴/۳ ، وابو داود در سنن۶۲۵/۴ ، و بیهقی در سنن الکبری ۳۵۱/۹ همه شان از حدیث جابر بن عبد الله رضی الله عنه – مجمع الزوائد ۵/ ۱۰۲) .

سئوال : نظر شما درباره ی زنی که مصحف (قرآن) را هنگام مشغول بودن و یاتنها بودن در کنار طفل کوچکش می گذارد تا از جنیات محفوظ بماند ، چیست ؟

جواب : این عمل درست نیست زیرا گذاشتن قرآن نزدیک طفل یا بر روی سینه اش یا در زیر پتو و امثال آن موجب اهانت قرآن است . بلکه مصحف دور از اطفال باید گذاشته شود .

سئوال : کتاب آکام المرجان فی غرائب و احکام الجان چگونه کتابی است ؟

جواب : کتاب مشهوری است که پیرامون احکـام و اشـکال و شـناخت جـن بحـث می کند برای خواننده بسیاز مفید است و بعضی احکام شرعی در آن آمده است .

پایان

۱۳۸۳/۱/۲۲

امور فرهنگی

جامعه الاحناف تایباد.

ایران - خراسان - تایباد
تلفن : 0098 - 529 -4223355
فکس : 4220038

Designer:0511-36 36 980.845 3500

قیمت : رایگان

شابک :۷-۶۶-۷۷۰۱-۹۶٤
ISBN: 964-7701-66-7